



انترناسیونال ۳۹۶

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۶ فروردین ۱۳۹۰، ۱۵ آپریل ۲۰۱۱

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سرمدبیر: کاظم نیکخواه



جنبش نپرداختن قبض ها گسترش می یابد

گفتگویی با اصغر کریمی

مدیر عامل شرکت ملی گاز چند ساعت پس از اینکه شایعه شد که اگر پول گاز داده نشود گاز را قطع میکنند خود را مجبور به تکذیب دید. تعدادی از آیت ها و مقامات صفحه ۲

نفر. و این آماری است که يك مقام دولتی داده است و ابعاد مساله قطعا از این فراتر است. این یعنی يك مقاومت چند میلیونی شروع شده است. لحن مقامات را که نگاه میکنید، بشدت ضعیف و ملتسانه است. خبری از هارت و پورت نیست.

ظرفیت گسترش بیشتر را دارد؟ اصغر کریمی: طبق آماری که معاون مدیر کل شرکت ملی گاز داده است، سی درصد مشترکین یعنی حداقل ۴ میلیون خانواده از پرداخت قبض گاز خودداری کرده اند. یعنی از هر سه نفر يك

انترناسیونال: در هفته های اخیر يك خبر مهم، گسترده شدن حرکت نپرداختن قبض های گاز است. اولین سوال اینست که بطور واقعی فکر میکنید ابعاد نپرداختن قبض ها چقدر است و تا چه حد این حرکت پتانسیل و

۲۲ آوریل روز اعتراض سراسری علیه احکام اعدام در ایران

صفحه ۸



اول مه، خیابانها مال ماست
حزب کمونیست کارگری ایران

اول مه، ۱۱ اردیبهشت،

روز جهانی کارگر:

اینک نوبت ماست که

فرامیرسد!

اول مه روز اتحاد و بمیدان آمدن کارگران جهان، روز امید و الهام بخش توده های عظیم مردمی است که دنیای دیگری میخواهند. از مبارزه برای "روز کار ۸ ساعته" و سایر مطالبات رفاهی تا جدال برای کسب حقوق سیاسی و مدنی و تانمایش های قدرت برای پایین کشیدن دیکتاتورها و قاتلین، در تاریخ اول ماه مه ثبت است. این روز تلاش بشریت معاصر برای بدست گرفتن اختیار، در ایران نیز با مبارزه برای رهایی گره خورده است. از اول ماه مه ۵۸ که صدها هزار نفر در تهران و بسیاری شهرها رژه رفتند و اوپاش اسلامی را به وحشت انداختند، تا اول مه ۸۸ که اجتماع کارگران و آزادیخواهان با هجوم سراسیمه حکومت رویرو شد و در واقع شیور از راه رسیدن انقلابی عظیم علیه جمهوری اسلامی را مینواخت، تنها جلوه هایی هستند از قدرت و ظرفیت بالقوه ای که اول مه در خود نهفته دارد.

بیباید امسال این قدرت عظیم را تا میتوانیم گسترده تر به میدان آوریم. علیه گرانی و فقر و فلاکتی که گریبان اکثریت صفحه ۷

اعتصابات هزاران کارگر پتروشیمی ماهشهر،

یک نقطه عطف مهم

تاثیرات خود را بر جنبش کارگری و اوضاع سیاسی جامعه میگذارد. این اعتصابات بار دیگر توجه جامعه را بطرف کارگران جلب کرده است. این صفحه ۳

بدنبال دور جدید اعتراضات توده ای، تظاهرات هزاران نفره کارگران چند مجتمع پتروشیمی ماهشهر در یکی از صنایع کلیدی در جنوب ایران، اتفاق مهمی است که بدون شک

در کردستان عراق چه میگذرد؟

پوشش خبری گسترده ای برخوردار نیست و اخبار آن به زبانه های بین المللی کمتر انعکاس می یابد و همین ضعف یکی از عوامل مهمی است که باعث شده است پژواک گسترده ای در میان

حدود دوماه است که در کردستان عراق يك جنبش اعتراضی و انقلابی گسترده علیه احزاب حاکم یعنی اتحادیه میهنی کردستان و حزب دموکرات کردستان عراق جریان دارد. متاسفانه این جنبش از

صفحه ۶

صفحات دیگر

هزاران کارگر پتروشیمی همچنان در اعتصاب هستند، اعتصاب ۸ پتروشیمی را فرا گرفته است

اطلاعه شماره ۷: جنبش نپرداختن قبض ها میلیونی شد. حداقل ۴ میلیون نفر قبض گاز را نپرداخته اند

کارگر کارخانه کاغذ سازی پارس دست به اعتصاب زدند

تجمع کارکنان "حراست طرح های اقتصادی" در مقابل فرمانداری ماهشهر

صفحه ۱۰

علی نجاتی بر اثر سگته قلبی بستری شد

علی نجاتی به دادگاه احضار شد، صفحه ۹

اعتراض کارگران شرکت فولاد میبد به حقوق پرداخت نشده

فراخوان به تظاهرات علیه جریانات اسلامی، ...

تجمع بیش از صد نفر در مقابل زندان سندج در حمایت از حبیب لطیفی

تظاهرات تورتو در اعتراض به رژیم شکنجه و اعدام!

صفحه ۹

لمپنیزم و جدالهای درون حکومت

مثل امروز به وضوح در مقابل چشم مردم قرار نگرفته بود. مشاهدات هزاران نفر انسان آزادخواه از زندانها و شکنجه گران جمهوری اسلامی، گله های اوپاش حزب اله که در صفحه ۸

بهرروز مهرآبادی ۱۲ سال قبل زمانی که منصور حکمت در يك مصاحبه مذهب را "بخشی از لمپنیزم در جامعه" خطاب کرد، چهره مذهب و اسلام سیاسی

تصویری از انقلابیون تونس، صفحه ۷

بازتاب هفته

کشاکش حکومت اسلامی و حکام عربستان

پایان کابوس و ادامه تراژدی در ساحل عاج

به اجرا گذردن ممنوعیت برقع در فرانسه

بهرروز مهرآبادی

از "جهاد اقتصادی" خامنه ای تا "جهاد پولی" بانک مرکزی!

محمد شکوهی

بگوئید مطالبات مردم ایران چیست

یاشار سهندی

صفحات ۵-۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

جنبش نپرداختن قبض ها ...

از گسترش اعتراض مردم و نپرداختن قبض ها اظهار نگرانی کرده اند. حتی پرویز فتح وزیر سابق نیرو در پاسخ سوالی مبنی بر اینکه اگر مردم مناطق فقیرنشین قبض ها را نپردازند میتوانند کاری بکنید جواب منفی میدهد. فی الحال دعوای بالائی ها تشدید شده است. مردم ناتوانی حکومت را میبینند و یک قدم دیگر به جلو برمیدارند. قدم های اول هر مبارزه ای معمولاً دشوارتر است. عده ای میترسیدند که با نپرداختن قبض گاز، بلافاصله گازشان قطع شود. البته تعداد قابل توجهی از مردم بطور واقعی حتی اگر ترس هم داشتند قادر به پرداخت قبض نبودند. در هر صورت نپرداختن قبض ها شروع شد و سرعت به دیگران سرایت کرد. تعداد تجمعات اعتراضی در این فاصله نیز کم نبوده است. خبر تعدادی از آنها را ما منتشر کرده ایم. در واقع در همه شهرها جنب و جوش شروع شده است. مردم به شکل جمعی یا به صورت فردی و چند نفره و یا اهالی یک مجتمع ساختمانی مقابل اداره گاز محل جمع میشوند و اعتراض میکنند. تمام گزارشتی که به ما رسیده است حاکی از این است که شرکت گاز در مقابل اعتراض مردم به آنها گفته است قبض ها را نپردازید تا قبض های جدید ارسال شود. جرات نکرده اند حتی یک خانواده را تهدید کنند. این حال و روز رژیم است. مردم ناتوانی حکومت را که خیلی هم آشکار است میبینند و در نپرداختن قبض ها مصرتراً میشوند. بدین ترتیب قدم های اول این اعتراض فی الحال برداشته شده و راه برای گسترش این حرکت فراهم شده است. باید با همین روحیه سراغ قبض های برق و آب رفت. اینرا هم اضافه کنم که حزب کمونیست کارگری از مدتی پیش به استقبال این جنبش رفت، وسیعاً مردم را به نپرداختن قبض ها و مقابله با سیاست حذف یارانه ها فراخواند و کانال جدید دهها ساعت از برنامه های خود را به این موضوع اختصاص داد و از نیمه اول بهمن ماه بطور فشرده مردم را به نپرداختن قبض ها فراخوان داد، به سوالات و تردیدهای مردم جواب داد و با استقبال بسیار گرم مردم مواجه شد. چرا که نیاز مبرم میلیونها نفر بود.

انترناسیونال: اهمیت این حرکت

از صفحه ۱

چیست؟ یعنی بطور مشخص چه دستاورد و تأثیری این نوع مقابله با حکومت میتواند داشته باشد؟

اصغر کریمی: اولاً این بخشی از مبارزه مردم علیه فقر و فلاکتی است که به آنها تحمیل شده است. ده بیست درصد هزینه زندگی مردم فقیر همین قبض های آب و برق و گاز است. یارانه ها را قطع کردند، دستمزدها را فقط نه درصد افزایش دادند و خامنه ای امسال را سال جهاد اقتصادی، همان ریاضت اقتصادی، اعلام کرد و اینهم پاسخ مردم است. اما این مبارزه از نظر سیاسی نیز حائز اهمیت است. بخشی از پیشروی مبارزاتی مردم است و مردم را در موقعیت بهتری برای تداوم مبارزه در همه زمینه ها قرار میدهد. فردا نوبت مقاومت در مقابل قبض آب و برق است و مردم با آمادگی بیشتری اعتراض میکنند و عملاً طرح حذف یارانه ها را به شکست میکشاند. شکست رژیم در این زمینه یک شکست سیاسی است که اولین تأثیرش تشدید دعوای درونی رژیم و مقابله باندهای حکومت با یکدیگر است. روشن است که اینها راه را بر جنبش سرنگونی هموارتر میکند و قدم ها مردم را جلو میبرد.

انترناسیونال: این نوع مبارزه شاید پژواک و انعکاس زیادی به نسبت سایر اشکال مبارزه مردم نداشته باشد. بخشهای مختلف مردم از ابعاد مبارزه در مناطق دیگر به سادگی مطلع نمیشوند. ادامه دار بودن مبارزه روشن نیست. بنظر شما آیا نمیشود کاری کرد که این نوع ضعف ها به نحوی پوشانده شود؟ آیا این امکان وجود دارد که این مبارزه مثلاً با اشکال دیگری از مبارزه مثل اعتصاب یا راهپیمایی های اعتراضی علیه گرانی و فقر و مسائل دیگر پیوند بخورد؟ کلاً در زمینه سازمان و هدایت این مبارزه چه نظری دارید؟

اصغر کریمی: اجازه دهید ابتدا دو جنبه دیگر مقابله مردم با رژیم را که از نظر شکل مبارزه کم و بیش به نپرداختن دستمزدها شبیه است، اشاره کنم و بعد سراغ سوال شما بروم. آنتن های بشقابی یک عرصه وسیع مبارزه سیاسی و فرهنگی توده های مردم با رژیم بوده است. اولین ماهواره ها را

مراحل اولیه خارج شده و انعکاس گسترده آن شروع شده است. الان همه جا دارند از آن حرف میزنند، در ملیای اجتماعی جوانان دارند از آن نیرو میگیرند و در عین حال آگاهی اشان به اشکال مختلف اعتراضات و ریشه های اعتراضات عمیق تر میشود و درک همه جانبه تری از مبارزه و جنبش های مختلف پیدا میکنند.

اما حزب تلاش میکند مردم بصورت متشکل و جمعی اعتراض را جلو ببرند. در هر محله ای جمع شوند و تشریح مساعی کنند، حتی قطعنامه صادر کنند و اعلام کنند که قبض های آب و برق و گاز را نمیپردازند. تلاش ما و فراخوان های ما به مردم این است که حول این مساله به هر درجه میتوانند به هم نزدیک شوند و خود را سازمان دهند. وجه دیگر کار ما این است که همانطور که اشاره کردم، خواست رایگان شدن این خدمات را هرچه بیشتر در میان مردم جا بیندازیم. این حق مردم است. باید پرچش را هرچه بیشتر بالا برد و به یک مطالبه روشن توده های وسیع کارگر و زحمتش تبدیل کرد.

انترناسیونال: فکر میکنید این امکان وجود دارد که مردم بتوانند کلاً طرح حذف یارانه های حکومت را مثل برخی کشورهای دیگر به شکست کامل بکشند؟

اصغر کریمی: کاملاً عملی است و تا همینجا بخشا شکست خورده است. مردم راهی جز مقاومت وسیع ندارند و مقاومت ها و اعتراضات بی هیچ تردیدی رو به گسترش هرچه بیشتر میروند. بحث از یک و نیم میلیون تومان وام به هر خانواده است و هنوز یک ماه از تعیین حداقل دستمزد نگذشته بحث از تجدید نظر این مصوبه میکنند که صرفنظر از اینکه بجائی برسد یا نه، ولی اوضاع بی ثبات رژیم و ترس و وحشت آنها را به وضوح میتوان مشاهده کرد. مردم آماده خیزش های بزرگ هستند،

مردم با ترس و دودلی نصب کردند اما اینقدر ابعادش گسترش یافت که به رژیم تحمیل شد. بیش از پنجاه درصد مردم اکنون ماهواره دارند و به کانال های ممنوعه نگاه میکنند و علیرغم حملات گاه و بیگاه رژیم برای جمع آوری دیش ها، ولی هرروز ابعاد وسیعتری پیدا میکند و از اینطریق مردم به اپوزیسیون و نیز به فیلم و موزیک و مسائل متنوع دیگری که متفاوت از فرهنگ اسلامی رسانه های جمهوری اسلامی است دسترسی پیدا کرده اند و این تأثیرات عمیقی بر جامعه ایران گذاشته است. مقاومت در مقابل حجاب عرصه ای دیگر و به مراتب مهمتری است که سابقه طولانی تر و ابعاد بی اندازه وسیعتری دارد. میلیونها نفر روسری ها را عقب تر و عقب تر بردند، رنگ لباس ها را روشنتر کردند و به هر درجه توانستند از شکل و شمایل اسلامی فاصله گرفتند و علیرغم سرکوب های مستمر اما موفق شدند عقب نشینی بزرگی به حکومت تحمیل کنند. در این دو جنبه هم مبارزه عمدتاً اشکال فردی داشته است اما چنان ابعادش گسترده شد که برای همه از رژیم و مردم ایران و افکار عمومی جهانی بعنوان یک موضوع مهم به رسمیت شناخته شد. امروز همه میدانند که مردم در زمینه حجاب و یا آنتن های بشقابی شکست سختی به رژیم داده اند. جیبغ و فریاد آیت اله ها و مقامات حکومت دائماً از دست زنها و جوانان و آنتن ها و "هجوم فرهنگی" بلند است و به جائی هم نمیرسد. انواع طرح های رژیم در این زمینه شکست خورده است. حکومت خود را ضعیف تر از آن میبیند که دست به مقابله قاطعانه با مردم بزند. هرچند وقت طرحی میآورند، نیروی زیادی به آن اختصاص میدهند و محدودیت هایی اینجا و آنجا تحمیل میکنند اما حجاب ها مرتب عقب تر میروند و سر و وضع زنان و جوانان غیر اسلامی تر میشود.

اینها همه عرصه های مقاومت و مبارزه ای است که در کنار اعتصابات گسترده کارگری و دانشجویی و در کنار اعتراضات گسترده به دستگیری ها، اعدام ها، بیحقوقی ها و سرکوبها، به حضور میلیونی در خیابانها ارتقا یافت. اما هر کدام از این جنبه ها نیز از آنجا که میلیونی است به یک مساله سیاسی و داغ در حکومت و رسانه ها تبدیل شد. جنبش نپرداختن قبض ها نیز از

اعتصاب هشت کارخانه مهم پتروشیمی در ماهشهر که امروز روز ششم خود را پشت سر میگذرانند در تاریخ اعتصابات کارگری در سالهای اخیر بیسابقه است. در مورد طرح حذف یارانه ها، بالائی حکومت با اختلاف شدید و با ترس و لرز و در اوضاع بشدت بی ثبات سیاسی آنرا شروع کرد. درست در مقطعی که اعتراضات میلیونی شروع شده بود.

روحیه اعتراض عمومی که با شروع انقلاب در تونس و مصر به ایران هم سرایت کرد در کنار نارضایتی عمیق و گسترده توده ای به فقر و بیکاری و گرانی، و مقاومت در برابر قبض ها، رژیم را بشدت وحشت زده کرده است. مطلقاً فکر نمیکردند مردم در چنین ابعادی در مقابل گران کردن گاز مقاومت میکنند. این مساله اختلافات درون رژیم و میان مجلس و دولت را حادث کرده است. با اینکه احمدی نژاد و مقامات دولت او و خیلی از آیت اله ها میگویند حالا که طرح تصویب شده باید اجرا کرد و به بحث با خاتمه داد، اما انتقاد از این سیاست نه تنها فروکش نکرد بلکه بار دیگر بالا گرفته است. کاملاً روشن است که با احتیاطی ناشی از ترس عمیق از مردم دارند برخورد میکنند و در آستانه عقب نشینی هائی هستند. حتی در برخی محلات قبض ها را بدون اینکه سر و صدایش را در بیابورند با نرخ قبلی برای مردم ارسال کرده اند. همه نشانه ها حاکی از پیشروی مردم و عقب نشینی رژیم است و هر قدم عقب نشینی در شرایط کنونی راه را بر شکست کامل طرح حذف یارانه ها باز میکند.

سیاست حزب کمونیست کارگری تشویق هرچه بیشتر مردم به ندانن قبض آب و برق و گاز و جا انداختن این توقع در میان مردم است که این خدمات و همینطور طب و آموزش و پرورش باید تماماً رایگان شود. این یکی از خواستهای مهم مردم هم در دولت آتی و هم در مقابل فقری است که رژیم به مردم تحمیل کرده است. اول مه باید روز اعتلائی این مبارزه باشد.

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۶۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

اعتصابات هزاران کارگر ...

از صفحه ۱

اتفاق در درون خود حکومت به هراس و نگرانی بسیاری تبدیل شده و انعکاس آن در سطح رسانه های دولتی میتوان دید. این اعتصابات بطور واقع سرخ فرقه ای است که باز شده است و میتوانند زنجیره ای از اعتصابات کارگری را بدنبال داشته باشد و شرایط را برای اعتصابات سراسری کارگری و یک پیشروی تعیین کننده در جنبش انقلابی مردم ایران فراهم آرد.

این مبارزه از آنجا شروع شد که کارگران پتروشیمی بندر امام در منطقه اقتصادی ماهشهر در ۲۸ اسفند جمع شدند و خواست حذف پیمانکاران متعدد واسطه ای و لغو قراردادهای موقت و تدوین قرارداد های مستقیم را طرح کردند. کارگران همانجا اولتیماتوم دادند که اگر با خواست آنها موافقت نشود در ۲۰ فروردین دست از کار خواهند کشید. کارگران در روز موعود وقتی پاسخی نگرفتند به اولتیماتوم خود عمل کرده و دست به اعتصاب زدند. اعتصابی که هنوز ادامه دارد.

اعتصابی که تا کنون هشت کارخانه در این منطقه را در بر گرفته است و تا هم اکنون هزاران کارگر را در بر گرفته و هر روز ابعاد گسترده تری بخود میگیرد. اما موضوع فقط به این مجتمع ختم نمیشود. واقعیت اینست که جمهوری اسلامی از همان سالهای روی کار آمدن خود طرح شقه شقه کردن صنایع کلیدی و مادر و مجتمع های بزرگ را در دستور گذاشت. از جمله صنایع نفت و مجتمع های پتروشیمی و صنایع وابسته به آن، مجتمع ذوب آهن اصفهان با هجده هزار کارگر، مجتمع ایران خودرو با حدود ۳۵ هزار کارگر از جمله این مراکز بود. در ادامه این سیاست شکل استخدام های پیمانی به شکل غالب کار در بخش عظیمی از مراکز کارگری تبدیل شد. برای اجرای این سیاست جمهوری اسلامی بخش بسیاری از کارگران قدیمی و با سابقه، از جمله کارگرانی که بطور مثال در صنایع نفت تجارب و آموخته های انقلاب ۵۷ را داشتند، بازنشسته کرد. با بخش زیادی از کارگران استخدام رسمی، تسویه حساب کرد و به جای آنها کارگران قراردادی را به استخدام درآورد و هر بخش از تولید را به پیمانکاری جدا گانه واگذار کرد. بطوریکه کارگران نه مستقیما با یک کارفرما بلکه با پیمانکاران و دلان کار رویرو بودند. بدین ترتیب کلا



شهلا دانشفر

ترکیب و ساختار این مرکز مهم کارگری تغییر یافت. عینا همین سیاست در صنایع کلیدی دیگر نیز بکار گرفته شد. نتیجه اینکار حاکم شدن شرایط برده وار کار، بیحقوقی مطلق کارگران و تکه پاره کردن صفوف کارگران و حواله آنها به پیمانکاران مختلف بود. در کنار این شکل از کار برده وار، رژیم حراست را به عنوان ابزار سرکوب خود در تمام این مراکز متمرکز کرد. یک نمونه اش ایران خودرو است که عملا بصورت یک پادگان در آمده است و فشار بسیار زیاد و برده واری روی کارگران است تا کارگر نتواند نفس بکشد. سیاستی که عملا تاثیر خود را بر مبارزات کارگران در تمام این مراکز گذاشت و مانعی جدی بر سر اتحاد و پیوند این مبارزات ایجاد کرد. خصوصا اینکه جمهوری اسلامی رژیم سرکوب انقلاب بود. تجربه و جایگاه کارگران را میدانست و از همان ابتدا با نقشه سراغ این بخش کلیدی کارگری آمد.

با توجه به این تاریخ میتوان فهمید که اکنون مبارزات کارگران پتروشیمی ماهشهر با خواست کوتاه شدن دست پیمانکاران، در واقع اعلام پایان این دوره برده وار از کار توسط کارگران است. پاره کردن زنجیری است که جمهوری اسلامی در تمام این سالها به پای این کارگران بسته است و به معنای به میدان آمدن این بخش کلیدی کارگران است. این اقدام کارگران پتروشیمی ماهشهر یک شروع است و بدون شک به بخش های دیگر پتروشیمی و کل مراکز نفت و وابسته آن کشیده خواهد شد. بگذریم که هم اکنون زمزمه همین خواست و اعتراض در میان کارگران ایران خودرو بالاست و قبلا نیز ما شاهد چنین اعتراضاتی در مجتمع ذوب آهن اصفهان بودیم و کارگران پیشروی هایی نیز داشتند. همه این اتفاقات را کنار هم بگذاریم و در کنار کل اعتراضات کارگران در مراکز مختلف کارگری در سراسر ایران علیه دستمزدهای پرداخت نشده و علیه بیکارسازیهها بگذاریم، آنوقت ابعاد عظیم اتفاقی که دارد می افتد و در سرآغاز هشتمین روشن میشود. مبارزات کارگران پتروشیمی ماهشهر

به یک معنی کشیده شدن، اعتراضات کارگری به مراکز اصلی و کلیدی است و این خود در اوضاع ملتبه امروز جامعه یک اتفاق سیاسی مهم است.

علاوه بر این خواست، کارگران پتروشیمی ها یک خواست دیگر را نیز مطرح میکنند که آن نیز در شرایط کنونی بسیار مهم است و آن افزایش دستمزدهاست. بدین ترتیب می بینیم که این کارگران با وزن سنگین خود با یک خواست تعرضی که خواست کل کارگران و کل جامعه است جلو آمده اند. به نظر من بیش از هر چیزی به دلیل این وزن سنگین کارگران پتروشیمی و چنین مبارزاتی است که امروز بحث بر سر گمانه زنی جدید بر سر افزایش دستمزدها در دولت به راه می افتد. چون اینها مبارزات کارگران پتروشیمی را می بینند و قبل از آن بیانیتهای اعتراضی تشکلهای کارگری، تشکلهایی که به همت خود کارگران شکل گرفته است، از جمله اتحادیه آزاد کارگران ایران، سندیکای شرکت واحد، سندیکای نیشکر هفت تپه، کمیته هماهنگی، کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های کارگران را دیده اند که اعلام داشتند حتی دو میلیون تومان هم کفاف زندگی ما کارگران را نمیکند. همچنین حرکت ۱۹ کارخانه از شهر های مختلف در حمایت از بیانیته ۶ تشکل کارگری را دیده اند که مشخصا رقم یک میلیون و پانصد هزار تومان را به عنوان مبنای حداقل دستمزد اعلام داشتند. داد و فریاد های احمد توکلی نماینده اصولگرایان مجلس و هشدارهای نمونه دیگر از عکس العمل رژیم در قبال این اتفاقات است. در همین هفته نیز امیر طاهرخانی، نماینده مجلس اسلامی از تاکستان مشخصا به لیستی از اعتراضات کارگری از جمله اعتراضات کارگران پتروشیمی ماهشهر، کارگران حراست طرحهای ساختمانی منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر، کیان تایر و وضعیت بحرانی شهر قزوین اشاره کرده و خطیر بودن اوضاع را گوشزد میکنند. همین نوع هشدارها ابعاد جنگ و جدال درون این حکومت و وحشت از به میدان آمدن کارگران را نشان میدهد. میدانند که بقول احمد توکلی طناب جمهوری اسلامی پاره شده است. و آخرین تقلاهایشان را میکنند.

همه کارگران علیه کار پیمانی و برای افزایش دستمزد

کل این تصویر، توازن قوای کاملا

جلبیدی را در مقابل کل کارگران و کل جامعه قرار میدهد. کارگران پتروشیمی قدم اول را برداشته اند، باید وسیعا به این حرکت پیوست. اکنون بهترین فرصت برای کارگران نفت، کارگران بخش های مختلف وابسته به نفت و تمامی مجتمع های پتروشیمی، کارگران ایران خودرو، ذوب آهن و همه بخش های کارگری است که وسیعا به اعتصابات کارگران پتروشیمی ماهشهر پیوندند و با اعتراضی سراسری خواهان کوتاه شدن دست پیمانکاران و لغو قراردادهای موقت و برده وار و قراردادهای دسته جمعی و مستقیم یا خود کارگران باشیم.

اکنون بهترین فرصت است که نه تنها این بلکه همچون کارگران پتروشیمی ماهشهر اعتراض خود را به تصمیم جنایتکارانه دولت مبنی بر ۳۳۰ هزار تومان حداقل دستمزد اعلام کنیم و به بیانیته ۶ تشکل کارگری پیوندیم و بگویم که حتی با دو میلیون تومان دستمزد هم نمیتوان زندگی کرد و همانطور که قیمت همه چیز چندین برابر افزایش یافته است، دستمزد ما نیز باید چندین برابر افزایش یابد. خصوصا اینکه روز مهمی چون اول مه در پیش است، روز اعتراض علیه فقر و فلاکت و میتوانیم و باید با قطعنامه ها و بیانیته هایمان کيفرخواست خود را علیه این فلاکت بیسابقه ای که امروز بر کارگران و کل جامعه حاکم است اعلام کنیم و خواستهای فوری خود را فریاد بزنیم. بگویم که کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند. بگویم که زیر بار گرانی نمیرسیم و کل بساط طرح یارانه های این رژیم را جمع خواهیم کرد. بگویم که زیر بار ۳۳۰ هزار تومان دستمزد و دستمزدهای زیر خط فقر نمیرسیم و زندگی ای پر از رفاه حق مسلم ماست. بگویم که خواهان آزادی بدون قید و شرط سیاسی هستیم و حق تشکل و اعتصاب از حقوق پایه ای ماست و با طرح خواستهای پایه ای خود، خواستهای کل جامعه را فریاد بزنیم.

و سخنی با کارگران پتروشیمی ماهشهر

در خاتمه سخنی با کارگران پتروشیمی ماهشهر دارم. قبل از هر چیز به فعال و سازماندهندگان اعتصابات پرشور کارگران پتروشیمی و به همه کارگران معترض در این مجتمع بخاطر مبارزات جانانه ای که در این هفته به جلو بردند، درود میفرستم تا همین جا اعتراضات کارگران

پتروشیمی یک پیشروی بزرگ برای جنبش کارگری و کل جامعه بوده است. زنده باد کارگران پتروشیمی ماهشهر. طبعاً از دل این مبارزات متحد تر و قدرتمند تر باید بیرون آمد و نگذاشت که صفوف شما را متفرق کنند تا شما را به سنگر قبلی عقب رانند. کلید حفظ اتحاد مجمع عمومی کارگران است. مجمع عمومی شما کارگران آنجاییست که میتوانید صف خود را متحد نگاهدارید. اکنون که در کوران اعتراض و مبارزه هستید، تصمیم بگیرید که جدا از تجمعات اعتراضی هر روزه تان هر هفته بطور منظم و در زمانی از قبل تعیین شده، جمع شوید و این جمع شدن را به محل تصمیم گیری و متحد شدن حول خواستهای خود تبدیل کنید. این تنها راه تداوم حضور قدرتمند شما در مقابل جانیان اسلامی است. تنها راه مقابل با نیروی سرکوب و حملات این رژیم و تعرض به رهبران و سخنگویان اعتراض شاست.

علاوه خبر رسانی و رساندن صدای اعتراضتان به گوش جامعه نکته مهم و اساسی است. با این کار است که میتوانید بیشترین حمایت جامعه را بخود جلب کنید. در همین هفته دوست کارگری از میان شما، با برنامه مستقیم کانال جدید تماس گرفت و اخبار اعتراضاتتان را منعکس کرد و با این کار صدای اعتراض شما در سطح وسیعی در بخش های مختلف جامعه انعکاس یافت. باید این کار را تداوم داد باید اخبار را منظم با کانال جدید و حزب کمونیست کارگری داد. باید از همه امکانات و ابزارهای میدیای اجتماعی استفاده کرد، تا بیشترین حمایت ها را جلب کرد. بعلاوه اینکه خبر اعتراضات شما نقطه امید برای بخش های دیگر کارگری و کل جامعه است و در برابر کل کارگران راه نشان میدهد. باید جایگاه این مهم را دریافت. و سرانجام اینکه اول مه روز جهانی کارگر در پیش است، در این روز به خیابان بیایید و با صف هزاران نفره خود، پاسخ درخوری به تهاجمات این رژیم بدهید و خواستهای خود را فریاد بزنید. ما نیز به سهم خود تلاش میکنیم که از طریق همین میدیا و از طریق برپا داشتن حرکتی حمایتی و مدافع تماس با سازمانهای کارگری و مدافع حقوق انسانی، و همچنین با استفاده از اینترنت و تویتر و فیس بوک و امکانات دیگر صدای شما را جهانی کنیم. زنده باد مبارزات کارگران پتروشیمی ماهشهر*

بازتاب هفته

شکاش حکومت اسلامی و حکام عربستان



بهروز مهر آبادی

شمشیرهای نقش بسته بر بیرقهای دو رژیم ایران و عربستان یکدیگر را نشانه گرفته اند. سفیر عربستان در مصر احمد القطان روز سه ۲۳ فروردین در مصاحبه ای با الحیات، حکومت ایران را تهدید به واکنش نظامی عربستان و متحینش در منطقه کرد. او اتهام دخالت جمهوری اسلامی در امور بحرین و ایجاد شبکه تروریستی توسط سپاه پاسداران در کشور کویت، را تکرار کرد. او کشورهای حاشیه خلیج فارس را خط قرمز عربستان اعلام کرد و به دولت ایران در این مورد هشدار داد و گفت: "ایران بهتر است دست به آزمایش قدرت ما نزنند". در همین روز خبرگزاری دولتی بحرین خبر محاکمه سه نفر بجرم جاسوسی برای سپاه پاسداران را اعلام کرد که دو نفر آنها ایرانی هستند.

روز ۲۳ فروردین يك تظاهرات دولتی در مقابل سفارت عربستان در تهران برگزار شد که در آن با کوکتل مولوتف به سفارت حمله شد. سه روز قبل از آن هم کنسولگری عربستان در مشهد مورد حمله قرار گرفت. در اواخر اسفند ماه، ۲۷ نماینده مجلس اسلامی با صدور بیانیه از نیروهای امنیتی و نظامی بحرین خواستند که "گام نهایی را برای سرنگونی حاکمان جانی بردارند". روح اله حسینیان نماینده مجلس اسلامی و از حامیان احمدی نژاد روز ۲۲ فروردین اعلام کرد که جمهوری اسلامی باید نیروهای نظامی خود را آماده کند و اجازه ندهد "مرزهای عربستان به ایران نزدیک شود". از سوی دیگر علی اکبر صالحی وزیر امور خارجه احمدی نژاد روز ۲۰ فروردین با لحنی متفاوت و آشتی جویانه بر عدم مداخله جمهوری اسلامی در امور داخلی سایر کشورها تاکید کرد.

حملات تبلیغاتی حکومت ایران و رژیم های عربستان، بحرین و کویت بر علیه یکدیگر را می توان دلیل عمق

اختلاف آنها دانست. ایجاد گروههای اسلامی در کشور های منطقه و حمایت مالی و تسلیحاتی آنها يك سیاست قدیمی جمهوری اسلامی بوده است. اما در سالهای اخیر این حکومت بیش از آن در وضعیت ناهنجار و بحرانی و زیر فشار اعتراضات مردم در داخل ایران قرار گرفته که بتواند به آینده خود در خود ایران چندان امیدوار باشد چه رسد به اینکه خواهد به گسترش نفوذ جهانی و منطقه ای خود بیندیشد. انقلابات مردم منطقه علیه دیکتاتوری های حاکم در تونس و مصر و لیبی و جنبش های اعتراضی گسترده در سوریه، جمهوری اسلامی را به وحشت انداخته است. اما با توجه به فعال بودن نسبی جریان های اسلامی و شیعی در بحرین و یمن، حکومت اسلامی تلاش میکند حداقل جاپایی در آینده این دو کشور برای خود ایجاد کند و از این طریق جبران مافات کند. یندأ دولتهای حاشیه خلیج چندین سال بر اختلافات خود با جمهوری اسلامی در پشت تعارفات سیاسی و زد و بندهای تجاری چشم بسته بودند. با آغاز و گسترش اعتراضات مردم در مقابل فساد و اختناق و سرکوب در این کشورها، ربط دادن این اعتراضات به جمهوری اسلامی بهانه خوبی برای سرکوب جنبش های مردمی بود. قدرت نمایی نظامی می تواند راه حل پیشنهادی جناحهایی در درون جمهوری اسلامی و یا در کشورهای عربستان، کویت و بحرین باشد تا به این وسیله بر بحران های داخلی خود سرپوش بگذارند و احیانا با نیرووشی و مانور نظامی علیه يك دولت خارجی، فضای انقلاب را منحرف کنند. اما وضعیت شکننده این حکومتها بویژه حکومت اسلامی، باعث میشود که در این جهت نیز محتاط باشند و دست به ریسکهای خطرناک نزنند. عجالتا اوضاع در حد ردوبدل کردن رجزخوانی های لفظی محدود مانده و در آینده نزدیک نیز به همین حد محدود خواهد ماند. به امید آنکه تکلیف همه اینها را مردم با انقلابشان هرچه زودتر تعیین کنند و با سرنگون کردن همه این رژیمهای قرون وسطایی سرمایه، خورا از شر نه فقط سرکوب و فقر و بیکه تازی، بلکه از خطر و تهدید درگیریهایی نظامی نیز خلاص کنند. *

پایان کابوس و ادامه ترازدی در ساحل عاج

روز دوشنبه ۱۱ آوریل با دستگیری لوران باگبو رئیس قبلی حکومت ساحل عاج جنگ قدرت در این کشور به پایان رسید و انتقال قدرت به آلاس (الحسن) واتارا قطعی شد. دو روز بعد فرماندهان ارتش رئیس جمهور سابق باگبو، و نیروهای هوادار واتارا در کنار هم قرار گرفته و برای حمایت از رژیم هم قسم شدند در حالی که در پرونده خود فجاجیک يك جنگ ۵ ماهه را دارند که طی آن صدها هزار نفر آواره و هزاران نفر کشته و مجروح شدند. این جنگ را می توان ادامه فجاجیک متعددی دانست که دهها سال در ساحل عاج در جریان افتاده است. از آن جمله می توان از فاجعه محیط زیست شهریور ماه گذشته نام برد که پشت پرده نمایشات انتخاباتی پنهان شد. يك کشتی غول پیکر هلندی که در حقیقت يك تصفیه خانه شناور است، صدها تن از پس مانده های مواد نفتی را در سواحل شهر ایجان تخلیه کرد. بنابه گزارشات رسمی این عمل جنایتبار موجب شد که بیش از ده هزار نفر بر اثر استنشاق گازهای سمی مسموم شوند و حداقل ۷ نفر کشته شدند. در کشوری که یکی از بزرگترین واردات آن زباله های صنعتی است، بیش از ۵۰ درصد جمعیت آن زیر خط فقر زندگی می کند و نزدیک به ۷ درصد مردم مبتلا به ایلز هستند، تلاش برای ثبت کردن تعداد کسانی که این گازهای سمی آنها را دچار بیماریهای مزمن و لاعلاج کرده، کاری پیچیده است. پس از این ماجرا وزرای دولت برکنار شدند و رئیس جمهور قول پیگرد مسببین این فاجعه را داد اما این ترازدی بدنبال آغاز درگیری های پس از انتخابات به فراموشی سپرده شد.

ساحل عاج که نزدیک به يك قرن مستعمره فرانسه بود پس از استقلال در سال ۱۹۶۰ همواره صحنه جنگ بین گروههای مختلف قبیله ای و مذهبی بوده است. این کشور بعنوان بزرگترین تولید کننده کاکائو در جهان و داشتن منابع غنی نفت، چوب، پنبه و ... و مهمتر از همه نیروی کار بسیار ارزان، صحنه رقابت شرکت های بزرگ تجاری و دولتهای اروپایی بوده که چهره آنها در پشت جنگ های داخلی بوضوح دیده می شده. این کشور در طول سالها عملا به دو منطقه نفوذ قدرت شمال و جنوب تقسیم شده بود. انتخاب لوران باگبو در سال ۲۰۰۰ قرار بود ثباتی

برای بوجود آوردن امنیت پروژه های اقتصادی بوجود آورد. اما توافق سال ۲۰۰۳ و انتخاب فرمانده نیروهای مخالف دولت "گیوم سورو" بعنوان نخست وزیر به جدال ها پایان نداد. نیروهای اسلامی خواهان دست بالا داشتن در قدرت بودند. ریاست جمهوری باگبو در سال ۲۰۰۵ تمام شد ولی ادامه درگیری ها بهانه خوبی برای به عقب انداختن انتخابات بود. ناتوانی باگبو در سرکوب و یا کنار آمدن با مخالفان، دولتهای فرانسه و آمریکا را متقاعد کرد که به حمایت خود از او پایان دهند و از الحسن واتارا پشتیبانی کنند که در دوره قبل اجازه شرکت در انتخابات را نیافته بود.

دور دوم و نهائی انتخابات رئیس جمهوری بین لوران باگبو و الحسن واتارا در روز ۷ آذر در سایه قدرت نمایی باندهای مختلف مسلح، ارتش و نیروهای مسلح حافظ صلح سازمان ملل، برگزار گردید. کمیسیون انتخابات واتارا را بعنوان برنده اعلام کرد اما شورای قانون اساسی و لوران باگبو این نتیجه را نپذیرفتند. دولت فرانسه که بیشترین نفوذ اقتصادی و سیاسی را در ساحل عاج دارد، اتحادیه اروپا، دولت آمریکا و جامعه اقتصادی غرب آفریقا، از الحسن واتارا حمایت کرد. يك هفته بعد از انتخابات هر دو کاندیدا در منطقه نفوذشان خود را رئیس جمهور اعلام کردند و الحسن واتارا نخست وزیر دولت قبلی یعنی گیوم سورو را بعنوان نخست وزیر خود معرفی کرد. اما نتیجه واقعی انتخابات را جنگ بین نیروهای مسلح تحت سلطه باگبو از طرفی و نیروهای فرانسه، نیروهای سازمان ملل و گروههای مسلح هوادار واتارا تعیین کرد. جنگی که در طول آن فجاجیک بسیار رخ داد، هزاران نفر غیر نظامی زندگی خود را از دست دادند و صدها هزار نفر بیخانمان شدند و گزارشات متعدد از نسل کشی، کشتار غیر نظامیان، تجاوز جنسی توسط نیروهای سازمان ملل به ویژه در مورد کودکان انتشار یافت. با دستگیری لوران باگبو، رئیس دولت جدید الحسن واتارا در يك نطق تلویزیونی اعلام کرد: "کابوس پایان گرفت". اما این بخش کوچکی از واقعیت است. ترازدی بزرگ همچنان ادامه دارد و آن زندگی بیش از ۱۸ میلیون مردم کشوری است که زیر سلطه ارتش و باندهای مسلح، روسای قبایل و گروههای مختلف مافیائی اقتصادی بسر می برند و زندگی میلیونها کارگری است که در مزارع

کاکائو، پنبه و موز، در میدان های نفتی و در بین میلیونها تن زباله های مسموم صنعتی، برای ادامه زندگی خود تلاش می کنند. *

به اجرا گذردن ممنوعیت برقع در فرانسه

از روز ۲۲ فروردین دولت فرانسه قانون ممنوعیت پوشیدن روبنده در اماکن عمومی و جریمه نقدی برای آن را به اجرا گذاشت و بار دیگر برقع و روبنده نه تنها در فرانسه بلکه در بسیاری از کشورهای جهان موضوع بحث رسانه ها شد. مبنای جامعه سکولار در فرانسه به انقلاب کبیر فرانسه در سال های آخر قرن هجدهم برمی گردد که توانست نفوذ کلیسا و مذهب در سیاست و اداره جامعه فرانسه را تا حد زیادی کاهش دهد اما بیش از يك قرن طول کشید تا سرانجام در سال ۱۹۰۵ قانون جدایی دین از سیاست رسمیت یافت. در طول سالها ممنوعیت استفاده از نمادهای مذهبی در اماکن عمومی از طرف دولتهای فرانسه پذیرفته شد. در سال ۲۰۰۴ استفاده از نمادهای مذهبی در مدارس فرانسه ممنوع اعلام شد و در تابستان گذشته استفاده از "مایوی اسلامی" یعنی لباس کیسه مانندی که همه سر و بدن را بپوشاند بخاطر غیر بهداشتی بودن در استخرهای عمومی ممنوع گردید. يك سال قبل يك کمیسیون پارلمانی در فرانسه پیشنهاد کرد که حجابی که صورت زنان را بپوشاند در اماکن عمومی ممنوع شود. این کمیسیون این پوشش را نماد ستم علیه زنان و مغایر با اصول سکولاریسم دانست و بر همین مبنا قانون منع استفاده از برقع در پارلمان فرانسه تصویب و استفاده از برقع، پوشیه و نقاب در ادارات دولتی، مدارس، بیمارستان ها و وسایل نقلیه عمومی ممنوع اعلام گردید. علیرغم هیاهوی بسیار رسانه ها و گروههای اسلامی آمارهای رسمی نشان می دهد که کمتر از ۲۰۰۰ نفر از زنان در فرانسه از برقع استفاده می کنند و بسیاری از آنان تحت فشار خانواده ها و یا شوهران خود مجبور به استفاده از روبنده هستند. در فرانسه برای مردی که زن خود را مجبور به استفاده از برقع کند مجازات زندان تا يك سال و یا جریمه نقدی تا ۳۰ هزار یورو در نظر گرفته شده است. رسانه های دولتی جمهوری اسلامی و سایت های اینترنتی اسلامی در مورد قانون منع برقع در فرانسه سر

بازتاب هفته

از "جهاد اقتصادی" خامنه ای تا "جهاد پولی" بانک مرکزی!



محمد شکوهی

بانک مرکزی جمهوری اسلامی هم در تبعیت از فرمان "جهاد اقتصادی خامنه ای" اعلام "جهاد پولی" کرد! هفته گذشته بهمنی رئیس بانک مرکزی جمهوری اسلامی "راهکارهای" جهاد پولی اش را اعلام نمود و تاکید کرد که حذف صفر از پول رایج محور اصلی این جهاد می باشد. وی در توضیح این اقدام گفت که هم از نظر روانی و هم از نظر ارزش پول رایج کشور در مقابل ارزهای معتبر رایج جهانی این امر می تواند "انگیزه و شتاب" انقلاب اقتصادی را که چهار سال پیش اعلام شده بود، نهایتاً عملی نماید. علاوه بر اینها جناب بهمنی و کل دست اندرکاران سیستم پولی معتقدند که با وجود تورم این اقدام می تواند "تعدلات روحی و روانی" جامعه مصرف کنندگان را بهبود بخشیده و برای صرفه جویی در هزینه چاپ اسکناس مهم می باشد! در همین راستا "طرح تحول سیستم بانکی" در آینده ای نزدیک با حذف صفرها از اسکناس های رایج آغاز خواهد شد. پا به پای این چرخش های پولی / اقتصادی حکومت بانک ها بخش خصوصی، غول ها و کسرن های بزرگ مالی رژیم هم برای تحقق "جهاد پولی" حکومت، پشت سر این تصمیم هر چند با کمی نق زدن، بخط شده اند. پا به پای این سیاست پولی حکومت، کارشناسان بسیجی و سپاه ضمن اعلام آمادگی برای شرکت در تحقق این جهت گیری، اعلام کرده اند که "بسیج گونه" در راستای عملی کردن این سیاستها پا به عرصه پولی و اقتصادی گذاشته و نقش ایفا خواهند کرد. خلاصه کلام کل دولت و دم و دستگاه مافیای اقتصادی و رانت خوار و ماشین دزدی حکومت، به این سیاست بانک مرکزی بهمنی دارند "لیبک" می گویند. اما ادعا های سیاستگذاران اقتصادی رژیم با فلج و فروپاشی اقتصادی جدی ای که درگیرش می باشد، دو چیز متفاوت هستند. نشو

لیبرالهای اسلامی که سکان سیاستهای اقتصادی رژیم را در دست دارند، با بخش ورشکسته اقتصاد دولتی مشغول جنگ و دعوای اقتصادی می باشند. اولی خواهان خصوصی سازی کامل و وصل اقتصادی حکومت" به جریان سرمایه داری آزاد اسلامی شده که از نظر آنها امنیت و سود آوری سرمایه را تضمین می کند و بر این اساس به آب و آتش می زند تا بلکه در سیاست و تعیین سیاستهای اقتصادی حکومت سهم بیشتری را به خود اختصاص بدهد. در مقابل آنها جناحی است که طرفدار حفظ اقتصاد اسلامی دولتی کنترل شده و دخالت دولت در همه امور اقتصادیات حکومت می باشند. روشن است که جناح اول فعلا دست بالا را دارد. این جناح یعنی باندهای وابسته به حکومت احمدی نژاد بطور جدی دارند خصوصی سازی کامل را علیرغم مخالفت یک جناح دیگر دنبال میکنند و در این خصوصی سازیها تلاش میکنند که بخش هرچه بیشتری از کارخانه ها و شرکتها و سرمایه ها را به طرفداران خود بدهند. در این زمینه یعنی جنگ انداختن بر بخشهای بیشتر اقتصاد و بالا کشیدن پولهای بسیار کلان و سرسام آور، اینها بسیار موفق اند. اما بطور واقعی روشن است که هیچکدام پاسخی به اقتصاد فلج شده حکومت را ندارند. بن بست سیاست "هدفمند کردن یارانه ها" یک شاخص در این زمینه است. و بویژه با تحریمهای اقتصادی بین المللی که بردوش اقتصاد ایران سنگینی میکنند کل مشکلات و معضلات ده چندان شده است. بطور واقعی مشکل اقتصادی جمهوری اسلامی نیز سیاسی است و تنها راه حلش سرنگون کردن خود حکومت و کوتاه کردن دست تمام جناحها و چپاولگراش از کل اقتصاد و سیاست است.*

بگویند مطالبات مردم

ایران چیست

یاشار سهندی

"مطالبات ملت های مسلمان (شما بخوانید منطقه خاورمیانه و شمال افریقا) خواسته های واقعی هستند که کشورهای اروپائی چند قرن قبل به آن رسیده اند". با خواندن این سخنان خواننده این نوشته لابد با خودش فکر میکند حتما این سخنان

یک روشنفکر سکولار است چون "چند قرن قبل" مردم اروپا با انقلاب فرانسه از قرون وسطی گذر کردند و کلیساها را به پستو راندند و صحبت از حقوق شهروندی به میان آوردند. اما اشتباه میکنید. این را داشته باشید و این سخنان را نیز بخوانید که از کس دیگر در جای دیگر گفته شده است تا بعد هويت صاحبان این سخنان را "افشا" کنم! این خانم (گوینده سخن يك زن است) میگوید: "فرانسه از کشورهایی است که انقلاب زنان و آزادیخواهی در آن رخ داده و یکی از نویسندگان و رای دهندگان به حقوق بشر است. چیزی که الان در اروپا مشهور است این است که فرانسه یکی از بنیان گذاران آزادی و حقوق بشر در دنیا و سازمان ملل است، آن وقت این رفتار غیرحقوقی و ضد آزادی (قانون ممنوعیت برقع در فرانسه که در هفته گذشته به اجرا گذاشته شد) برای چنین کشوری جای بحث و تامل و اعتراض دارد." این "بانوی محترم" با بیان اینکوش پوشش جزو حقوق اولیه و آزادی از مقولات زندگی انسان است ادامه دادند: "آزادی و حقوق انسان جزء مسایلی اولیه ای است که فرانسه آن را قبول دارد بنابراین این رفتار يك رفتار ضد آزادی و ضد حقوق بشر است مخصوصا در باره زنان؛ زنانی که در انقلاب فرانسه شرکت کردند و تقاضای آزادی کردند" ایشان همچنین تاکید کردند: "ما این رفتار فرانسه را به عنوان يك رفتار ضد حقوق بشر و ضد آزادی انسان و زن محکوم می کنیم و باید همه زنان دنیا در برابر چنین حرکتی بیایستند و آن را محکوم کنند." این دو "بزرگوار" نه سکولاریست، نه آزادیخواه، نه دموکرات هستند و نه هیچ چیزی بشری دیگری در سیمای سیاسی ایشان وجود دارد. حتما خواننده این نوشته با سخنان "بانوی مکرمه" فکر کردند که ایشان با توجه به مخالفت شان با قانون برقع باید یکی از فعالین جنبش اسلامی باشند. درست است اما این شخص مطمئنا شیرین عبادی نیست همانقدر که اولی محسن سازگارا نیست. این دو، و تن از کارگزاران بنام رژیم جمهوری اسلامی هستند. اولی علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی است، مجلسی که سی و دو سال است به عنوان یکی از ارگانهای رسمی سرکوب مردم قوانینی را به تصویب رسانده است که مردم ایران را از هر چه دستاورد بشری است بخصوص از دستاوردهای انقلابات قرن نوزدهم اروپا بشدت منع میکند و برای آن مجازاتهای بسیار

سنگینی نیز وضع میکند. علیا مخدره اما کسی نیست جز "مریم بهروری دبیرکل جامعه زینب" و از نمایندگان سابق همان مجلس کاذبی. که در زمان نمایندگی ایشان نیز تا جا داشته قوانین ضد آزادی زنان را به تصویب رسانده تا زنانی را که به خیابان آمده بودند و اتفاقا نقش پر رنگی در انقلاب ۵۷ داشتند و "تقاضای آزادی" داشتند به بند کشند. اما گویا زمانه خیلی عوض شده که يك زمانی در نزد ایشان تاریخ، جز تاریخ اسلام و بخصوص تاریخ "صدر اسلام" نبود و الگوهای تاریخی ایشان در شمایل حسین و زینب خلاصه میشد، حالا گویا دیگر صرف ندارد از ابوذر و فاطمه گفته شود چون همه را بیزار کرده است چون این بیزار را مردم در سال ۸۸ به این آقایان و خانمها نشان دادند. و اتفاقا این دو از "خواص با بصیرت" بودند که دو دستی به عباي "آقا" چسبیدند و بصیرت خودشان را در کشتار مردم نشان دادند و در مقابل آزادیخواهی مردم ایران ایستادند. اما این دو اقتدر بصیرت دارند که مدام از "انقلاب حسین" و "قیام زینب کبری" نگویند، حواسشان هست که مدام نگویند: "کل یوم عاشورا و کل ارض کرب و بلا". زیرا این کلمات مشتمل کننده دیگر حتی "بچه یا منبری" را هم دلزده کرده است این تاریخ به پایان مصرف خود رسیده است. و این جنابان هم به صلاح خود و اسلام و نظامشان می بینند که از دستاوردهای انقلاب فرانسه و غرب هم گاهی به شیوه خود حرف بزنند. اما بی شك این سخنان کسی را فریب نخواهد داد. کافی است از ایشان پرسید شما که لالایی بلیدید خب چرا خوابتان نمی برد؟ شما که مثلا مدافع انقلاب مردم منطقه شده اید چرا نمیگویند مردم ایران چه میخواهند؟ چرا نمیگذارید مردم ایران به خواسته های چند قرن قبل مردم اروپا برسند؟ اما ایشان هر چه قدر هم تلاش میکنند که خودشان را روشنفکر قلمداد کنند از

به اجرا گذردن ممنوعیت برقع در ...

صداي زيادي براه اندختند. يك سايت اينترنتي اسلامي به اين "سکولاریسم افسار گسیخته" اعتراض کرد و تصمیم اروپا در مورد این قانون را پیامی به "زنان باحجاب" دانست که: " شما حق ندارید ما را از لذت رویت خلل و فرج و تن و بدنتان محروم کنید!" و با این کلمات تفکر زن ستیزانه و سکسیستی اسلامی را در مورد زنان و مبنای اعتراض خود را به ممنوعیت برقع اعلام نمود. حجاب اسلامی در نفس اصل خویش نمی توانند بپردازند. لاریجانی میگوید از "مطالبات مردم مسلمان" دفاع میکند و خانم بهروری میپرسد: "یعنی اگر زن برهنه باشد آزاد است؟ همه ما شاهد هستیم "مردم مسلمان منطقه" تنها چیزی که دنبالش نیستند همان مسلمانی است. ما شاهد هستیم که زنان در منطقه شرکت وسیعی در انقلابات منطقه دارند و تقاضای آزادی دارند و نه برقع. شاید جناب لاریجانی یادشان رفته باشد اما ما یادمان هست و هنوز زمانی درازی از آنزمان نگذشته که حکومت متبوع ایشان با سرهنگ قذافی پیمان برادری بسته بود، هنوز یکسال نگذشته که احمدی نژاد در سازمان ملل در آغوش قذافی غش کرده بود و لیخند "زیبایش" را تحویل سرهنگ داده بود. لاریجانی حتما میدانند برای رابطه داشتن با حکومت مبارک چقدر رژیم متبوعش بی قراری میکرد. همین روزها احمدی نژاد در آرزوی این است دیکتاتور اردن را به تهران بکشاند و شاهدیم که چگونه از دیکتاتور سوریه حمایت میکنند. لاریجانی حتما به یاد دارد در فردای تحت تعقیب بین المللی قرار گرفتن دیکتاتور سودان بخاطر جنایت علیه بشریت، خودش را به خارطوم رساند و در مجلس آنجا سخنان قرآنی در دفاع از شخص متهم به جنایت کرد و بر حمایت جمهوری اسلامی از ایشان تاکید کرد. همه اینها نشان میدهد که قدرت انقلاب چه ها که نمی کند. ترس از قدرت مردم چه کارگزاران حکومت های دیکتاتوری را به چه سرگیجه ای دچار میکنند! بی شك مردم ایران دستاوردهای مردم اروپا را قدر میشناسند و میخواهند آن دستاوردها را در ایران نیز عملی کنند و بعلاوه از آن نیز فراتر روند و به همه آزادی و به همه برابری برسند. اولین هم همین است که جامعه را از شر حکومت مذهبی و اسلامی و میدان داری همه پادوهایش خلاص کنند.*

از صفحه ۴

خود تحقیر زنان بعنوان موجوداتی خارج از جامعه بشری و دارایی و اموال مردان را در خود دارد. این نماد اسلامی از دو دهه گذشته و با به میدان آمدن جریانات مرتجع اسلام سیاسی، به پرچم و نماد اسلام سیاسی تبدیل شده است و این جریانات بشدت در تلاش رواج هرچه بیشتر حجاب و پوشش های اسلامی از جمله برقع بوده اند تا از این طریق نفوذ خود را جلو چشم بگذارند.*

در کردستان عراق ...

مردم دنیا پیدا نکند. شماره ۵۶۶ نشریه ایسکرا، نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران گفتگو و میزگردی در مورد جوانب و درسهای این جنبش با محمد آسنگران و اصغر کریمی برگزار کرده که به خوانندگان توصیه میکنیم آنرا مرور کنند. به دلیل محدودیت جا، امکان بازچاپ تمام این میزگرد که نکات مهمی در آن مطرح شده، در انترناسیونال نیست. برای آشنائی خوانندگان با وضعیت کردستان عراق بخشی از این میزگرد را در اینجا منعکس میکنیم:

ایسکرا: محمد آسنگران از شما شروع میکنیم. لطفا یک تصویر عمومی از وضعیت کنونی مبارزات مردم، ابعاد آن و برخورد احزاب حاکم به این اعتراضات به خوانندگان ایسکرا بدهید. اوضاع از چه قرار است و چرا حکومت "گرد" به این روز افتاده است؟

محمد آسنگران: اعتراض و نارضایتی مردم در مقابل حاکمان کردستان عراق موضوع تازه ای نیست. سالها است که مردم به انحاء مختلف نارضایتی خود را نشان داده اند. اما برای درک ریشه های این اعتراض بهتر است کمی به عقب برگردیم و مختصری از کارنامه احزاب ناسیونالیست حاکم بر کردستان را مرور کنیم. از سال ۱۹۹۱ که این احزاب از کوه به شهر برگشتند به دلیل سابقه مبارزه با صدام حسین و سالها جنگ پارتیزانی علیه رژیم بعث در اذهان عمومی بخش قابل توجهی از جامعه محبوب و قابل اعتماد بودند. اما همان دوره هم بخشی از جامعه که افکار روشن تری داشتند و مشخصا کمونیست ها و کلاچ جامعه ماهیت اینها را میدانستند و اهداف و سیاست های آنها را نقد و افشا میکردند. زیرا دوران جنگ با صدام حسین هم با سنتی تماما ناسیونالیستی، عشیرتی و در حال همکاری با دولتهای منطقه بودند. برای مثال ورود این احزاب به شهرها از ابتدا همراه با سپاه پاسداران و در زیر حمایتهای جمهوری اسلامی انجام شد. همکاری عملی نزدیکی با جمهوری اسلامی داشتند و این همکاری هنوز ادامه دارد.

اما در چهارچوب محدودیتهای آن زمان بخشی از مردم این جنبه را به دلیل مقابله آنها با صدام حسین نادیده می گرفتند. به محض ورود به شهرها هیچ نوع دخالتی از جانب مردم را نپذیرفتند. حاکمیت را بدون چون و چرا

از صفحه ۱

از آن نیروی مسلح خود میدانستند. مردم در جریان مبارزه علیه صدام حسین قبل از ورود این احزاب به شهرها نیروهای رژیم بعث را تارو مار کرده بودند. اما با این وجود چون حزب متشکل و معتبر دیگری در میدان سیاست بجز آن دو حزب وجود نداشت آنها کل جامعه کردستان را بر اساس نفوذ سنتی خود تقسیم کردند. بخشی از کردستان عراق تحت حاکمیت حزب دمکرات کردستان به رهبری بارزانی و بخش دیگر آن تحت حاکمیت اتحادیه میهنی به رهبری طالبانی قرار گرفت. این موضوع به دلیل اختلافات قدیمی و تاریخی این احزاب با هم بود، که کردستان عملا به دو منطقه تقریباً جدا با قوانینی متفاوت و تحت حاکمیت دو حزب رقیب قرار گرفت. بعد از چند سال رقابت آنها بر سر مناطق تحت نفوذ خود به جنگ میان این دو حزب منجر شد. طبق آمار که خودشان منتشر کرده اند بیش از پنج هزار نفر از نیروهای دو طرف در این جنگها کشته شدند.

بارزانی برای تعیین تکلیف این جنگ به صدام حسین پناه برد. زیرا اتحادیه میهنی رابطه نزدیکتری با جمهوری اسلامی داشت و ارتش صدام به کمک بارزانی آمد. بارزانیها تمام شهرهای کردستان را تصرف کردند و طالبانی همراه نیروی مسلحش به ایران عقب نشینی کرد. بعد از مدتی سپاه پاسداران به کمک طالبانی آمد و ضد حمله آغاز شد و تمام شهرهای از دست رفته دوباره پس گرفته شد. به محض اینکه تعادلی میان آنها برقرار شد بحث آتش بس و مصالحه به میان آمد. از آن مقطع تا کنون علیرغم اینکه حکومت مشترک تشکیل داده اند اما مناطق تحت نفوذ و حاکمیت این دو حزب همچنان تقسیم شده است.

دو نوع نیروی مسلح، دو نوع نیروی امنیتی و مخفی، دو نوع بودجه بندی و اداره جامعه و ... همچنان ادامه دارد. عملاً بخشی از کردستان تیول بارزانی و بخشی تیول طالبانی شده است. آنچه که با بازگویی این تاریخچه میخواستیم بگویم این است که این احزاب در این مدت اساساً خود را حاکمان موقت بر کردستان فرض کرده اند. جامعه را به حال خود گذاشته و تماماً به فکر پر کردن جیب خود و حزبشان بوده اند. با طولانی شدن مدت حاکمیت آنها اکنون فساد چنان سرتپای این احزاب و مسئولین و مقامات حکومتی را گرفته است که برای همگان

حتی خود مقامات این احزاب هم قابل انکار نیست. بنابراین سنتی و سیاستی که این احزاب در پیش گرفتند هیچکدام به این فکر نکرده و نمیکنند که اداره جامعه را به عنوان یک دولت مشروع برای دراز مدت باید سازمان بدهند. حتی از منظر بورژوازی هم این نوع اداره کردن جامعه نمیتوانست ادامه دار باشد. آنها سنتاً حاکمیت احزاب بر مناطقی را تجربه کرده و میشناختند. حاکمیتی که آنها تجربه کرده بودند خودشان نقش انگلی داشتند. مسئولیتی در مقابل جامعه برای خود قائل نبودند. قدرت امر و نهی را خوب یاد گرفته بودند اما توان اداره جامعه و تجربه اداره جامعه در سنت اینها نبوده و اکنون هم اینها برای خود قایل نیستند. اداره یک جامعه را در قرن بیست و یکم نمیتوان با روشهای عشیرتی پیش برد.

همه این فاکتورها را باید در کنار یک فاکتور مهم دیگر ببینیم که این آخری تعیین کننده است. این فاکتور مهم پا به میدان گذاشتن یک نسل جدید و جوان است که هیچ ذهنیت عینی و تجربی از تاریخ این احزاب ندارد. کودکی که در اوایل به حاکمیت رسیدن اینها متولد شده باشد اکنون ۲۰ سال سن دارد. از وقتی که چشم باز کرده این احزاب را در حاکمیت دیده است. خود را بدهکار جنگ اینها با حکومت صدام نمیداند. مثل هر جوان دیگری در جهان انتظار دارد که از امکانات زندگی، آزادی، رفاه و آینده روشنی برخوردار باشد. این احزاب هم با همان سنت و پیشینه قدیمی به حاکمیت و ریخت و پاش مشغولند. نسل جوان امروزی کردستان مثل همه جای جهان با توجه به دسترسی به ماهواره و اینترنت و تکنولوژی ارتباطات سهم خود را از زندگی بیشتر از این میدانند که این احزاب با سنتهای عشیرتی برای او قائل شده اند.

این تناقض و تعارض نسلی را باید در کنار واقعیات دیگری دید که بعد از ۲۰ سال حاکمیت این احزاب در کردستان عراق هنوز مردم از برق و آب که جزو ابتدائی ترین امکانات زندگی است محروم هستند. هنوز بعد از ۲۰ سال حاکمیت این احزاب در ۲۴ ساعت مردم فقط ساعات محدودی برق و آب دارند. هر چند خانواده ناچار شده اند یک موتور تولید برق خصوصی برای تامین برق تهیه کنند و یا با هزار دردرس آب خود را تامین کنند و این سیکل در طول هفته و ماه بیست سال است تکرار میشود.

در کنار این موضوع، برنامه های عمرانی و آموزش و پرورش و تولید و توزیع و بازار و غیره هم تماماً در هم ریخته، بدون آینده و غیر قابل محاسبه است. آنچه برجسته و برای همگان غیر قابل انکار است طیفی از حاکمان و مقامات سیاسی و نظامی این احزاب و بستگانشان بعلاوه قشر انگل سرمایه داران نزدیک به اینها همگی میلیونر و میلیارد شده اند. این احزاب قانوناً و رسماً ۱۷ درصد پول فروش نفت عراق را دریافت میکنند بعلاوه تمام گمرکات و مالیات و عوارض کردستان هم به جیب آنها میرود. در کنار این منابع، تجارت و خرید و فروش و بازرگانی هم یک منبع عظیم مالی است که تماماً در کنترل و اساساً در مالکیت یک قشر محدود نزدیک به این احزاب است. همه این فاکتورها باعث شده است که مردم و بویژه نسل جوان از حاکمیت این احزاب نفرت پیدا کند و سهم خودش را از زندگی خواهد.

در بطن چنین شرایطی اعتراضات محدود و مقطعی سالهای گذشته، از ۱۷ فوریه امسال وارد فاز جدیدی شد، جنبش قدرتمندی راه افتاد و شهر سلیمانیه به قلب پهنه این جنبش تبدیل شد. ابعاد تظاهراتها و تجمعات فعلاً به مناطق تحت نفوذ اتحادیه میهنی محدود است. در مناطق تحت نفوذ بارزانی هنوز مردم این امکان را نیافته اند که به خیابان بیایند. فضای پلیسی شدیدتر و کنترل بیشتری که بارزانی علیه مردم میکنند مانع جدی در آن مناطق است و فعالین جنبش اعتراضی در حال تلاش برای گسترش این جنبش به تمام شهرهای کردستان هستند. اتحادیه میهنی و بارزانی شدت مورد تنفر عمومی مردم کردستان هستند. اما اپوزیسیون این احزاب بیشترین نفوذشان هنوز در مناطق معینی از کردستان قابل مشاهده است که تحت حاکمیت طالبانیها است.

این اعتراضات در دو ماه گذشته توجه کل جامعه را به خود جلب کرده و احزاب حاکم را بطور جدی تحت فشار قرار داده است.

احزاب اپوزیسیون در مقابل حاکمان کردستان عراق به سه دسته تقسیم میشوند: ناسیونالیستهای ناراضی، اسلامیه و کمونیستها و چپها و مردم آزادخواه که همه این نیروها در میدان آزادی سلیمانیه و در انجمن موقت میدان آزادی که اعتراضات اخیر را رهبری میکند نمایندگانی دارند. اما در میان این قطب اپوزیسیون جریانات اسلامی و ناسیونالیست متحد همديگر

هستند و طرف مذاکره با حکومت میباشد. کمونیستها و چپها مخالف هر نوع مذاکره از بالای سر مردم و مخالف هر نوع سازشی بر سر مطالبات حق طلبانه مردم هستند. اتوریته اصلی کمپ احزاب ناسیونالیست و اسلامی فردی است به اسم نوشیروان مصطفی که قبلاً نفر دوم اتحادیه میهنی بعد از جلال طالبانی بود. در چند سال گذشته به دلیل اختلاف با جلال طالبانی از آنها فاصله گرفت و جریانی به اسم گوران را سازمان داد. اسکلت جریان گوران و رهبران و کادریهای آن همگی افرادی هستند که قبلاً عضو و کادر و سمپات اتحادیه میهنی بودند و از آن حزب فاصله گرفتند و با نوشیروان مصطفی همراه شدند. گوران یک کلمه کرده ای است به معنای "تغییر" که در آخرین انتخابات توانست بعد از احزاب بارزانی و طالبانی به حزب سوم در پارلمان کردستان تبدیل شود. دو جریان اسلامی "کومه ل" و "یه ک گرتو" که اکنون در اپوزیسیون قرار گرفته و متحد نوشیروان مصطفی هستند هر کدام چهار پنج نماینده در پارلمان دارند. احزاب چپ و کمونیست در آن انتخابات شرکت نکردند و طبعاً نماینده ای هم در پارلمان ندارند.

اکنون و بعد از حدود دو ماه اعتراض و تجمع هرروزه در میدان آزادی سلیمانیه و به تناوب در شهرهای دیگر، حکومت محلی کردستان عراق هیچ جواب عملی ای به مطالبات مردم نداده است. در جریان این اعتراضات تا کنون ۱۰ نفر از معترضین با شلیک گلوله افراد و نیروهای مسلح احزاب حاکم جان باخته اند. حدود ۲۵۰ نفر زخمی و تعدادی هم دستگیر شده اند. اما با این وجود مردم مصمم به ادامه اعتراض و مبارزات خود تا رسیدن به مطالباتشان هستند. مطالبات مردم ابتدا چند مطالبه محدود برای اصلاحاتی در حکومت و بهتر شدن زندگی شهروندان و آزادیهای سیاسی و رفاهی بود. اکنون این مطالبات تا حد برکناری کل حکومت ارتقا یافته است. انجمن موقت میدان آزادی سلیمانیه در آخرین بیانیه خود اعلام کرده است که آمیسی به اصلاح حکومت نیست و آنها باید بروند. همزمان با طرح این مطالبه برنامه دولت دوره انتقالی را هم به جامعه اعلام کرده است. به یک معنا میتوان گفت اکنون یک قدرت دوگانه در کردستان عراق شکل گرفته است.

ایسکرا: اصغر کریمی شما ریشه های نارضایتی مردم و کارنامه احزاب حاکم را چگونه ارزیابی میکنید؟

تصویری از انقلابیون تونس

انقلابات تونس و مصر، توجه همه جهان را به خود جلب کرد. در این دو کشور دیکتاتورها سرنگون شده اند اما همه چیز گویای اینست که انقلاب تمام نشده است و جدال بین نیروهای خواهان تحولات جدی اجتماعی، و نیروهای مرتجع و حافظ نظام بطور جدی جریان دارد. اینجا ترجمه یک مصاحبه تلویزیونی با یک زن جوان تونسی بنام "لینا بن مهنی" که یکی از وبلاگ نویسانی بوده است که در انقلاب تونس نقش موثری داشته را منعکس میکنیم و از خلال صحبت‌های کوتاه او میتوان به درجاتی فضای کنونی تونس را نیز احساس کرد. این مصاحبه توسط تلویزیون آلمانی ۳sat صورت گرفته و نازنین برومند آنرا از زبان آلمانی ترجمه کرده است:

زن جوان تونسی ۲۷ ساله Lina Ben Mhenni صدای خیزش مردم تونس است. بلاگ او معروف است و امروز او یک سخنران شناخته شده است که در سراسر دنیا از او دعوت میشود و همیشه در راه است. او در بلاگ خود بنام یک دختر تونسی از روز اول به همراه انقلاب تونس بود. همیشه در محل اتفاقات بوده چه در مرکز تونس و چه در شهرستانها به همراه انقلاب بوده است.

سوال: لینا چه اندازه رسانه های دیجیتال برای انقلاب در کشور شما اهمیت داشتند؟

لینا: ما در تونس از داشتن رسانه های سنتی بهرمنند نیستیم و این خیلی مهم بود که ما موفق شویم از طریق میدیای دیجیتال انقلاب را منعکس کنیم و سانسور را دور بزنیم و این کار را هم کردیم. ما توانستیم واقعیتهای که اتفاق

افتاد را مستقیم منعکس کنیم. اما چیزی که مهم بود این بود که ما به وسیله رسانه های دیجیتالی توانستیم مردم را سازماندهی کنیم. ما توانستیم تظاهرات را از طریق اینترنت و شبکه های اجتماعی سازماندهی کنیم.

سوال: بعد از سرنگونی بن علی آیا هنوز این شبکه های اجتماعی و بلاگ نویساها اهمیتی دارند؟

لینا: بله. من فکر می کنم هنوز بلاگ نویساها فعالین سایبری خیلی مهم هستند. درست است که میشود گفت تونس الان یک کشور آزاد شده است اما واقعیت این است که هنوز ما نیروهای ضد انقلاب در کشور داریم که علیه ما هستند و تلاش میکنند همه چیز را به عقب برانند یعنی بازگشت به گذشته. رسانه های رسمی هنوز تغییری نکرده

اند و هنوز در دست مخالفین انقلاب هستند. در نتیجه ما از طریق رسانه های دیجیتالی سعی می کنیم اخبار را به خارج از تونس برسانیم و نشان دهیم که در تونس چه اتفاقی می افتد. و این خیلی مهم است که ما انسانها را نسبت به اتفاقاتی که در تونس می افتد حساس کنیم.

همچنین احزاب سیاسی جدیدی در تونس تاسیس شده اند و یا به زودی تاسیس میشوند ولی مردم در تونس خیلی خیلی کم راجع به این احزاب مطلع هستند. در نتیجه این خیلی مهم است که ما از طریق رسانه های دیجیتال مردم را راجع به این احزاب حساس کنیم و در مورد اهداف این احزاب آنها را آگاه کنیم.

سوال: آیا بین تونس و کشورهای دیگر مثل لیبی یا سوریه یا مصر تبادل اخبار میشود؟ آیا بین بلاگ نویسان این کشورها تماس و رابطه ای وجود دارد؟

لینا: مسلم است که تماس وجود دارد. اینترنت این امکان را در سراسر دنیا برای همه انسانها به وجود آورده که با هم در تماس باشند و اخبار را رد و بدل کنند. من خوب به یاد می آورم که فعالین سایبری و بلاگ نویسان مصری ما را از روز اول حمایت کردند، آنها

تظاهراتی را حتی از طریق توئیتر در مقابل سفارت تونس در قاهره سازماندهی کردند. و ما هم همینطور، ما از طریق اینترنت مردم را در مصر راهنمایی های عملی میکردیم. مثلاً اینکه چطور با گاز اشک آور مقابل کنند. با لیبی کمی مشکل تر است. اینجا اینترنت کاملاً قطع شده است. من یک شانس که داشتم این بود که حدود یک ماه پیش توانستم با یک بلاگ نویس (زن) لیبیایی تماس داشته باشم و با او بحث کنم اما الان اصلاً چنین امکانی نیست. در مورد کشورهای دیگر مثل سوریه، یمن و بحرین من کاملاً در تماس هستم و بحث های زیادی با هم داریم از طریق "تویتر".

سوال: خانم بن معانی انقلاب چه تأثیری روی شما داشت؟ آیا شما همیشه یک آدم سیاسی بودید؟ آیا بلاگ شما همیشه یک بلاگ سیاسی بوده از قبل از انقلاب؟

لینا: حقیقتش من هیچ وقت خودم و وبلاگم را سیاسی نمیدانستم و حتی امروز هم هنوز وبلاگم را سیاسی نمی بینم. وقتی که من سال ۲۰۰۷ بلاگم را درست کردم برایم یک سرگرمی بود. وقتی سانسورها بیشتر شدند من در مقابل آن ایستادم و برای آزادی عقیده در کشورم مبارزه



کردم. از انسانهایی که حقوقشان پایمال میشد دفاع کردم. چون ما دانشجویان و ژورنالیستها یی داریم در کشورمان که بلاگ نویس بودند و آنها دستگیر و زندانی شدند چون نظرشان را آزادانه بیان کردند. در رابطه با این رویدادها من کمپین ها یی را سازماندهی کردم که مردم را نسبت به این جور مسائل حساس کنم تا دستگیر شدگان را حمایت کنند. من همیشه برای آزادی عقیده و حقوق انسانها مبارزه کرده ام. این کار را در آینده هم خواهم کرد همانطور که در گذشته انجام داده ام. حتی اگر همه فکر میکنند که تونس یک کشور آزاد است اما در تونس دیکتاتور رفته ولی هنوز شکنجه و دستگیری ادامه دارد و دیکتاتوری هنوز هست. هنوز تصمیم گیری های دلخواهانه وجود دارد و برای همین ما باید در تونس به مبارزه ادامه دهیم.

- خانم بن مهنی خیلی ممنون برای این گفتگو.

اول مه، ۱۱ اردیبهشت، ...

جامعه را گرفته است. علیه بی حقوقی و سرکوب و اختناق و دیکتاتوری. برای آزادی همه زندانیان سیاسی و الغاء اعدام و شکنجه. برای گردآوری بیشترین قوا علیه جمهوری اسلامی. برای پایان دادن به نظام مرده و پوسیده ای که زندگان را نابود میکند. برافراه و برابری و آزادی، برای رفع تبعیض و حاکمیت حرمت انسانی. برای همان

در کردستان عراق ...

اصغر کریمی: فقر، بیکاری، تبعیض و نابرابری، بیحقوقی، وجود یک حکومت فاسد و عقب مانده، و در یک کلام سرمایه داری با همه مشتقاتش از جمله حکومتش منشاء ناراضیتهای مردم است. مثل خیلی کشورهای دیگر. مردم بصره و بغداد، مصر و تونس و لیبی و ایران هم، صرفنظر از تفاوت هایی که در هر کشور وجود دارد، منشاء ناراضیتهای و اعتراضشان کم و بیش همین ها است. نان، آزادی، کرامت انسانی که به شعار مهم مردم در این انقلابات تبدیل شده است

از صفحه ۱

چیزهایی که اساس اول مه است. "ما زندگی نمی کنیم که کار کنیم، کار میکنیم که زندگی کنیم!" این شعار اجتماع اول مه کارگران تهران در چند سال پیش است. آیا محتوای همین شعار اکنون در بطن انقلاب های "نان و کرامت" در مصر و تونس و بسیاری کشورهای دیگر جاری نیست؟ آیا این اساس همان چیزی نیست که

از صفحه ۶

بیانگر محرومیت های اقتصادی و بیحقوقی های سیاسی و اجتماعی مردم است. کردستان عراق، دهها سال زیر سلطه حکومت بعث بود که ساده ترین اعتراض آنها را به خاک و خون میکشید. مردم انتظار داشتند که با سرنگونی حکومت بعث به خواست هایشان برسند. اما قدرت توسط احزاب ناسیونالیست کرد قبضه شد و زندگی مشقت بار مردم ادامه یافت. خیلی از مردم تصور میکردند که با حاکمیت احزاب ناسیونالیست کرد، به خواست هایشان میرسند و زندگی شان

کارگران آمریکا اکنون برایش میجنگند و یا کارگران فرانسه آن اعتصابات عظیم سال گذشته را بخاطرش برپا کردند؟ آیا این حرف دل کارگران و توده های عظیم در چین و روسیه و هند و برزیل و آفریقای جنوبی و همه دنیا نیست؟ رفقا ما بسیاریم. ما اکثریت عظیم جهانیم. برای رهایی خود و جامعه باید به میدان بیائیم. همه کسانی که کرامت و آزادی میخوانند با ما هستند. روز اول ماه

عوض میشود. فکر میکردند اینها کرد هستند و دلسوز هموطنان کرد خود هستند و با افتادن حکومت به دست این احزاب که سالها با دولت بعث جنگیده اند، بسرعت مشکلات اقتصادی رفع میشود و آزادی سیاسی حاکم میشود. اما بتدریج متوجه شدند که انگار اتفاقی نیفتاده است. عده ای رفته اند و عده ای جایشان را گرفته اند و کم و بیش همان سیاست ها را دنبال میکنند. شکاف های اقتصادی و فساد در دستگاه حکومت حتی عمیق تر شد. در طول بیست سال ساده ترین مسائل مردم نه تنها حل نشد بلکه مشقات زندگی مردم کارگر و زحمتکش بیشتر شد. فساد و دزدی

مه روز اتحاد بشریت آزادیخواه است. این روز نوبت ماست! چه در ایران و چه در هر جای دیگر دنیا باید در اول ماه مه، ۱۱ اردیبهشت با تمام قوا به میدان آمد و فریاد زد: دیگر بس است فقر و نابرابری! دیگر بس است تبعیض و بی حقوقی! دیگر بس است سرکوب و دیکتاتوری! دیگر بس است حکومت مذهبی و حاکمیت هر جهل و خرافه ای! دیگر بس است جمهوری اسلامی!

و سوء استفاده از درآمدهای جامعه توسط باندهای حاکم چنان ابعادی یافت که زبازند خاص و عام شد، اما حتی مشکل آب آشامیدنی مردم هم حل نشد. در زمینه آزادی های سیاسی نیز، مردم تحت حاکمیت احزاب "کرد" هم خود را بی حقوق دیدند. اعتراض مردم توسط این احزاب با اسلحه و زندان پاسخ گرفت. توهم ها فروریخت و خشم و نفرت جای خوشبینی های اولیه را گرفت. برای اولین بار در طول تاریخ کردستان عراق، مردم در ابعادی میلیونی به یک حقیقت مهم طبقاتی پی بردند، که ملاک دوستی و دشمنی "ملیت" واحد و زبان واحد و "هموطن" بودن نیست، داشتن لباس کردایتی

دیگر بس است حاکمیت سرمایه و بردگی مزدی! باید همه جا فریاد برآورد که: ما آمده ایم تا این کره زبایی زمین و عزت انسانی خود را که زیر چکمه های شما لگدکوب میشود پس بگیریم.

آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم حزب کمونیست کارگری ایران ۲۵ فروردین ۱۳۸۹، ۱۴ آوریل ۲۰۱۱

نیست، کردستان هم طبقات دارد و جنبش ها و احزاب سیاسی بسته به اینکه متعلق به کدام طبقه باشند، اهداف و سیاست های کاملاً متفاوتی دارند. میتوانند در جبهه مردم و دوست مردم باشند یا همچون جنایتکاران و مزدوران صدام روی مردم اسلحه بکشند. ناراضیتهای مردم انباشته شد، شعور سیاسی شان تعمیق شد، توهمات در هم شکست و با برآمد اعتراضات در کشورهای شمال آفریقا، زمینه خیزش بزرگ مردم مهیا شد و جنبش توده ای وسیع برای برچیدن بساط احزاب حاکم برافه افتاد...*



فراخوان به اعتراض سراسری علیه احکام اعدام در ایران، جمعه ۲۲ آوریل متحدانه بمیدان بیائیم!

با شدت بیشتر علیه جنایتکاران حاکم در ایران اعتراض کنید. مردم ایران را در مبارزه علیه جنایتکاران حاکم بر ایران یاری کنید. در تظاهرات ۲۲ آوریل شرکت کنید.

مردم آزاده!

باید به اشکال مختلف دولت هائی را که با جمهوری اسلامی رابطه دارند تحت فشار قرار دهیم. باید بخواهیم که هر گونه رابطه سیاسی و دیپلماتیک با جمهوری اسلامی قطع شود و سفارت هایش بسته شود و از همه مراجع بین المللی اخراج گردد. این رژیم مایه ننگ بشریت است و رابطه با آن شرم آور است!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ آوریل ۲۰۱۱، ۲۱ فروردین ۱۳۹۰

حکومت بدون خونریزی مداوم، بدون جنایت و آدمکشی يك روز سر پا نمی ماند. این حربه رژیم را باید با اعتراض سراسری و متحد، با اعتراض بین المللی پاسخ گفت.

مردم آزادیخواه!

جمعه ۲۲ آوریل روز اعتراض متحد و سراسری علیه اعدام ها در ایران است. در هر کشور و شهری هستتید با دوستان خود همراه شوید و علیه اعدام ها در ایران تظاهرات سازمان دهید و یا در اعتراضاتی که به این مناسبت برگزار میشود، شرکت کنید.

سازمانها و نهادهای مدافع حقوق انسان در سراسر جهان!

علیه مجازات اعدام و احکام اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی

جمهوری اسلامی برای مقابله با اعتراضات فزاینده مردم و از وحشت انقلاب و سرنگونی، شمشیر اعدام را بالای سر جامعه نگهداشته است. هر از چندی، عده ای را اعدام میکند با این تصور که جامعه را مرعوب کند و خود را حفظ کند. اعلام کرده اند که، شیرکو معارفی را اعدام خواهند کرد. خبری دال بر احتمال اعدام حبیب لطیفی پخش شد. از اعدام دسته جمعی بیش از صد نفر در اصفهان سخن میگویند. رژیم در آستانه اول مه و در وحشت از بمیدان آمن مردم، قصد دارد فضای رعب را تشدید کند. باید به مقابله با این حکومت خونریز، احکام اعدام و مجازات اعدام برخیزیم.

جمهوری اسلامی از جانی ترین حکومت های جهان است. این

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی
کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

Scotiabank Canada, ICRC

Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900

Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America

277 G Street, Blaine, Wa 98230

phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush

Account number : 99 - 41581083

wire: ABA routing # 026009593

swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23, account holder: WPI

Bank: NatWest branch: Wood Green

81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345

NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۱۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبدال گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید
کمک مالی دی ماه حوزه انترناسیونال ۶۸۳۰۰۰ تومان

لمپنیزم و جدالهای درون ...

از صفحه ۱

بویژه در کودتای ۲۸ مرداد و بعد از آن دار و دسته های چاقوکش و لمپن در توازن قوای سیاسی نقش مهمتری پیدا کردند. امثال شعبان جعفری و طیب حاج رضایی نمونه های سرکردگان اوباشی بودند که چه در اطاعت از مذهب و چه در خدمت سلطنت در سرکوب مبارزات آزادیخواهانه مردم نقش داشتند. اما در جمهوری اسلامی یک پایه قدرت نظام بر گروههای لمپن حزب اله و یا لباس شخصی ها، استوار بوده است.

بدون شك کارگران پالایشگاه تهران بهتر از فرزندان هاشمی رفسنجانی سعید تاجیک را می شناسند، او فرمانده بسیج پالایشگاه یعنی فرمانده نیروی مستقر در محل برای سرکوب کارگران است. اما بعلاوه او مجری يك برنامه تلویزیونی درباره دوران جنگ و از فرماندهان لباس شخصی ها در سرکوب تظاهرات های مردم در تهران بوده است. انتشار فیلم فحاشی او به فائزه رفسنجانی حتی در میان نزدیکترین وابستگان به رژیم ایجاد نگرانی کرد. هاشمی رفسنجانی بیش از ۳۰ سال نزدیکترین همکار و از رهبران رژیم بوده است. فحاشی به دختر او زنگ خطر دیگری برای همه همکاران رژیم بود بطوری که حتی بسیاری از اصولگرایان را وادار به واکنش کرد و خامنه ای بعد از دو هفته ناچار شد بطور ضمنی از این کار انتقاد کرده و آثرا شیوه "عوامل نفوذی" بنامد. صادق

سالهای بعد از انقلاب به مردم حمله کردند، کتاب سوزاندند، به صورت زنان اسید پاشیدند و تجاوز کردند، به حساب عملکرد جناحی از رژیم گذاشته شد. انتشار بازجویی های همسر سعید امامی از رهبران وزارت اطلاعات و قتل های زنجیره ای گوشه ای از واقعیت گفته های منصور حکمت را نشان داد، اما اوجگیری جنبش سرنگونی مردم و واکنش جمهوری اسلامی حقیقت گفته منصور حکمت را به روشنی در مقابل چشم ها نشان داد. فحاشی سعید تاجیک به فائزه هاشمی را می توان مصداق بارز این امر دانست.

در اسفند ماه گروهی از اوباش حزب اله به رهبری سعید تاجیک در شهر ری تهران به فائزه رفسنجانی حمله ور شده و او و خانواده اش را با الفاظ رکیک مورد حمله قرار دادند. فیلم این واقعه بلافاصله روی سایت های اینترنتی قرار گرفت تا مردم دنیا از نزدیک شاهد عملکرد لمپنیزم اسلامی حتی در درگیری های بین جناح های حکومتی و در بین نزدیکترین دستیاران رژیم باشند تا ابعاد توحش آن را در مقابل مردم عادی متوجه شوند. در تاریخ معاصر ایران لمپنیزم يك همکار جدائی ناپذیر مذهب بوده است. قبل از مشروطیت هم هر آخوند و امام جمعه ای گروهی چاقو کش داشت تا بتواند از ارکان اسلام و حوزه نفوذ مالی خود محافظت کند. از سالهای ۱۳۳۰ و

با پخش خبر احتمال اجرای حکم اعدام حبیب لطیفی، بیش از صد نفر در مقابل زندان سنندج تجمع کردند

عصر روز شنبه ۹ آوریل ۲۰۱۱ از طریق يك رسانه ، خبر احتمال اجرای حکم اعدام حبیب لطیفی در روز یکشنبه ۱۰ ماه آوریل منتشر شد. این خبر بلافاصله در فیس بوک و برخی سایتها منعکس شد و مردم شهر سنندج نیز در جریان این خبر قرار گرفتند. بلافاصله بیش از صد نفر از مردم از نقاط مختلف شهر

مردم آزاده سنندج درود میفرستد و اعلام میکند که در همه جا باید از این تجربه استفاده کرد. به محض شنیدن خبر اجرای حکم اعدام در هر زندانی و بر علیه هر فردی باید متحدانه در مقابل در زندانها تجمع کنیم و مانع از اجرای حکم اعدام شویم. به موج وحشیانه اعدامها در ایران اعتراض کنید.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۰ آوریل ۲۰۱۱

روز ۲۰ آوریل در مرکز شهر فرانکفورت علیه میتینگ جریانات اسلامی به میدان بیاید!

سنگسار دفاع کنند. در مقابل این میتینگ ، ما يك میتینگ اعتراضی فراخوان میدهیم. از همه کسانی که از سکینه محمدی آشتیانی زن ۴۳ ساله محکوم به سنگسار، دفاع کردند، از همه مخالفین اعدام و سنگسار ، از همه مخالفین حکومتهای جنایتکار اسلامی دعوت میکنیم با ما همراه شوند. این يك حرکت اعتراضی مهم در فرانکفورت آلمان است. دو میتینگ در مقابل هم برگزار میشود. میتینگ آنها در دفاع از دخالت

در ایران سی و دو سال است در حرمت است، پرونده سیاهی از جنایت و اعدام و سنگسار دارد که میتواند به همگان نشان دهد، اسلام در قدرت به چه معناست و چه جنایاتی را برای مردم در پی دارد. اینها در هر جایی که به قدرت رسیدند، جوانان را به دار آویختند، دست و پا بریدند و چشم در آوردند و حقوق زنان را زیر پا له کردند. اینك در قلب فرانکفورت مدافعین این جنبش، مدافعین قوانین شریعه در آلمان، میخواهند به خیابان آمده و عملا از اعدام و

۲۰ آوریل پیر فولک اسلامیت معروف آلمانی ومدافع قوانین شریعه، میخواهد در مرکز شهر فرانکفورت عملا در دفاع از اعدام و سنگسار و اجرای قوانین شریعه در بخشهایی از آلمان سخنرانی کند. میتینگ مدافعین قوانین اسلامی و مدافعین جنبش و حکومتهای اسلامی در مرکز شهر فرانکفورت باید با يك اعتراض عمومی از سوی همه ما مواجه شود. جنبش اسلامی يك جنبش ضد مدرنیته ، ضد حقوق و حرمت انسانی و ضد زن است. این جنبش که

علی نجاتی بر اثر سگته قلبی بستری شد

بارها احضار و زندانی شده است. این شرایط فشار سنگینی بر زندگی او و خانواده اش وارد کرده است. زیر این فشار هاست که اکنون علی نجاتی در بیمارستان بسر میرد. جرم علی نجاتی مبارزات با شکوه کارگران نیشکر هفت تپه و تلاش این کارگران برای ایجاد تشکل خود سندیکی نیشکر هفت تپه است. اکنون در شرایطی که اعتراضات کارگری دور جدیدی گرفته است. در شرایطی که چند هزار کارگر پتروشیمی ماهشهر از مراکز حساس کارگری، با اعتصابات خود جلو آمده اند، جنب و

جانباان اسلامی او را برای محاکمه مجدد به دادگاه فراخوانده اند روز ۲۱ فروردین علی نجاتی عضو هیات مدیره سندیکی واحد، و از رهبران سرشناس کارگری بر اثر سگته قلبی در بخش سی، سی، یو بیمارستان دزفول بستری شد. جانباان جمهوری اسلامی برای روز ۲۳ فروردین او را به دادگاه احضار کرده بودند، اما او هنوز در بیمارستان بسر میرد. علی نجاتی مدتهاست که زیر فشار هر روزه سرکوبگران جمهوری اسلامی است. او از خارج اخراج و

اعتراض کارگران شرکت فولاد میبد به حقوق پرداخت نشده

معوقه این کارگران را داده بود که متأسفانه هنوز این امر محقق نشده است و کارگران زحمت کش فولاد میبد در شروع سال جدید با مشکلات بسیاری روبرو شدهاند.

سال جدید بارها تجمعات اعتراضی برپا کردند و خواستار پرداخت حقوق معوقه خود شدند، اما مسئولان توجهی به این اعتراضات نداشتند. وی افزود: وزارت کار در آستانه عید نوروز قول پرداخت ۳ ماه از حقوق

نمایند رژیم اسلامی از تفت و میبد در مجلس اسلامی روز ۱۶ فروردین گفته است که حقوق کارگران شرکت فولاد میبد ۶ ماه است که پرداخت نشده است. او گفته است که کارگران شرکت فولاد میبد در آستانه

تظاهرات تورتو در اعتراض به رژیم شکنجه و اعدام!

ما نیز همچون همه سازمانها و نهادهای مخالف رژیم کشتار و شکنجه و اعدام اسلامی روز ۲۲ آپریل را به روز اعتراض علیه این رژیم تبدیل خواهیم کرد. تشکیلات شرق کانادا، حزب کمونیست کارگری ایران همه سازمانها، نهادها و انسانهای آزادیخواه را فرا می خواند تا در این روز همراه با هم در تورتو صف اعتراض علیه یکی از جنایتکارترین

مذهب و اسلام در حکومت و در قوانین است، میتینگ ما در دفاع از سکولاریسم و جدایی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش میتینگ آنها در دفاع از سنگسار و اعدام است، میتینگ ما بر علیه اعدام و سنگسار و برای ممنوعیت قطعی و کامل اعدام و سنگسار در همه جای دنیا میتینگ آنها در دفاع از حجاب و بی حقوقی زنان و دفاع از آپارتاید جنسیتی است، میتینگ ما در دفاع آزادی و حرمت انسانی زنان و برابری زن و مرد است.

میتینگ آنها در دفاع از جنبش اسلامی و اسلام سیاسی و حکومتهای اسلامی است و تمامی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند. کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد کمپین برای آزادی کارگران زندانی ۲۴ فروردین ۹۰، ۱۳ آپریل ۲۰۱۱

ه بین المللی علیه اعدام و سنگسار شورای مرکزی اکس مسلم آلمان ۱۳ آوریل ۲۰۱۱



کمپین برای آزادی کارگران زندانی

shahla_daneshfar@yahoo.com شهلا دانشفر
00447779898968
bahram.soroush@gmail.com بهرام سروش
0044-7852 338334

اطلاعیه شماره ۷: جنبش نپرداختن قبض های میلیونی شد.

حدافل ۴ میلیون نفر قبض گاز را نپرداخته اند

مصطفی کشکولی معاون مدیرعامل شرکت ملی گاز اعلام کرد که سی درصد مشترکین قبض های خود را پرداخت نکرده اند. با توجه به ۱۳ میلیون مشترک گاز در کشور، تعداد کسانی که قبض ها را پرداخت نکرده اند طبق اقرار این مقام دولتی به ۴ میلیون نفر میرسد و هشدار او که اگر مشترکین قبض های گاز خود را نپردازند، بطور موقت گاز آنها در نوبت اول ۲۴ ساعت و در نوبت دوم ۴۸ قطع خواهد شد با تمسخر مردم مواجه خواهد شد.

آمار واقعی قطعا از این بسیار بیشتر است و این نشاندهنده سراسری شدن این حرکت و پیشروی وسیع این جنبش اعتراضی بحق مردم است. در اطلاعیه های قبل تاکید کردیم که

۲- در هر محله جمع شوید، اشتراک مساعی کنید و مشترکا قطعنامه صادر کنید که قبض ها را نپردازید و آب و برق و گاز باید رایگان شود.

۳- در صورت پیدا شدن احتمالی سر و کله ماموران، بلافاصله همسایه ها را خبر کنید و دسته جمعی در مقابل آنها بایستید. مطمئن باشید که با تجمع اولیه شما، جرات نمیکند گاز و برق و آب شما را قطع کنند.

حزب کمونیست کارگری تاکید میکند که این حق مردم است که از خدمات رایگان آب و برق و گاز و

همینطور بهداشت و درمان، آموزش و پرورش و ترانسپورت شهری برخوردار باشند و بویژه در شرایطی که میلیون ها نفر بیکار و فاقد درآمدند و حقوق شاغلین چندین بار زیر خط فقر قرار دارد و اکنون که

هزاران کارگر پتروشیمی همچنان در اعتصاب هستند،

اعتصاب ۸ پتروشیمی را فرا گرفته است

اعتصاب ۲۰۰۰ کارگر پتروشیمی بندر امام که از روز ۲۰ فروردین شروع شده است، امروز وارد پنجمین روز خود شده و با قدرت ادامه دارد. کارگران ۷ پتروشیمی دیگر در منطقه صنعتی ماهشهر نیز در روزهای ۲۰، ۲۱ و ۲۲ فروردین به اعتصاب دست زدند و بدین ترتیب یکی از مهمترین اعتصابات کارگری در صنایع کلیدی پتروشیمی در جنوب کشور شکل گرفته است. در حال حاضر علاوه بر کارگران پتروشیمی بندر امام، کارگران پتروشیمی های اروند، تندگویان، فجر، خوزستان، امیرکبیر، شیمیایی رازی و بوعلی در اعتصاب بسر میبرند. کارگران علاوه بر

اعتصاب دست به تجمع و راهپیمایی میزنند و مصممانه بر خواست های خود پافشاری میکنند. خواست های کارگران اعتصابی پایان دادن به کار پیمانکاران و عقد

قرارداد مستقیم و دسته جمعی با کارفرمایان، پرداخت دستمزدهای معوقه و افزایش حداقل دستمزدها است. این خواستها سه خواست مهم کل طبقه کارگر ایران است.

تشکیل هرروزه مجمع عمومی در این پتروشیمی ها و بحث و تصمیم گیری جمعی برای ادامه مبارزه و تماس با سایر مراکز کارگری در منطقه و در سطح کشور به منظور گسترش اعتصاب به سایر مراکز کارگری، از جمله اقداماتی است که کارگران اعتصابی را در موقعیت بهتری برای تداوم مبارزه قرار میدهد.

اعتصاب همزمان هزاران کارگر در ۸ پتروشیمی، یک حرکت مهم کارگری است که باید مورد توجه کارگران کلیه مراکز کارگری قرار گیرد و کارگران سراسر کشور را به حرکت درآورد. اکنون که پرچم چند خواست مهم کارگران

توسط مجموعه ای از مراکز کارگری به اهتزاز درآمده است، فرصتی به کارگران در سراسر کشور میدهد که به این حرکت بپیوندند و با دست زدن به اعتصاب همزمان به هر شکل دیگر از اعتصاب کارگران پتروشیمی ها و این خواست ها حمایت کنند و خود را آماده برگزاری مراسم ها و تجمعات بزرگ در روز اول مه، روز جهانی کارگر کنند.

حزب از کارگران کلیه مراکز کارگری، از دانشجویان و معلمان، از جوانان و همه مردم معترض و آزادیخواه میخواهد که قاطعانه از این اعتصابات حمایت کنند، خیرش را همه جا منعکس کنند، نامه های حمایتی صادر کنند و به هر شکل ممکن این حرکت را تقویت کنند.

زنده باد اعتصابات همزمان و متحد کارگران
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد سوسیالیسم
حزب کمونیست کارگری ایران
۴ فروردین ۱۳۹۰، ۱۱ آوریل ۲۰۱۱

اطلاعیه شماره ۸: مردم دو روستای ناکستان نیز از

پرداخت قبض های گاز خودداری کردند

طبق گزارش یکی از خبرنگاران حزب، مردم روستای شال از توابع ناکستان، دست به تجمع اعتراضی در مقابل اداره گاز زدند و در حالیکه قبض های گاز را جمع کرده و داخل کیسه ای ریخته بودند اعلام کردند که قبض ها را نخواهند پرداخت. در یکی دیگر از روستاهای ناکستان مردم قبض ها را پاره کردند و از پرداخت آنها خودداری کردند. طبق این گزارش، هرروزه پیام های زیادی از طریق اس ام اس برای تشویق مردم برای ندادن قبض ها پخش میشود.

مقاومت و اعتراض شما گام های مهم اولیه را برداشته است و ترس و وحشت را در بالائی ها دامن زده است، باید این مبارزه را تا عقب رانند کامل حکومت گسترش داد و به شکست سیاسی بزرگی برای

حکومت تبدیل کرد.
آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد سوسیالیسم
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ فروردین ۱۳۹۰، ۱۱ آوریل ۲۰۱۱

کارگر کارخانه کاغذ سازی پارس

دست به اعتصاب زدند

طبق گزارشی از اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران کارخانه کاغذ سازی پارس که تعداد آنان حدود هزار نفر است از صبح روز بیستم فروردین در اعتراض به اخراج همکاران خود دست به اعتصاب زده اند و روز ۲۱ فروردین نیز اعتصاب ادامه یافته است. این اعتصاب بدنبال اخراج ۶۰ نفر از کارگران قرارداد موقت صورت گرفته است.

کارگران اخراجی هر کدام بین ۱۰ تا ۱۵ سال سابقه کار در این کارخانه دارند و کارفرما به بهانه افزایش قیمت انرژی و پایین آوردن هزینه های تولید دست به اخراج کارگران زده و همزمان سرویهای ایاب و ذهاب کارگران را قطع کرده است.

کارگران اعتصابی اعلام کرده اند تا بازگشت بکار همکارانشان به اعتصاب ادامه خواهند داد.

پیش به سوی اعتصاب در سراسر کشور
پیش به سوی روز جهانی قدرتمند کارگران در ایران
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ فروردین ۱۳۹۰، ۱۱ آوریل ۲۰۱۱

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهلا دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

انترناسیونال را بخوانید و وسیعا تکثیر و پخش کنید

تجمع کارکنان "حراست طرح های اقتصادی" در مقابل فرمانداری ماهشهر

پلاکاردهای از جمله "ما را اخراج نکنید" دست به تجمع و تحصن زنده اند. این تجمع با حضور ماموران یگان ویژه به خشونت کشیده شد اما با مقاومت معترضین و عدم ترك محل، استاندار خوزستان، رییس منطقه ویژه اقتصادی، فرماندار، رییس اداره اطلاعات، امام جمعه و فرمانده نیروی انتظامی ماهشهر به محل مراجعه نموده و با وعده و وعید به این معترضین، رضایت آنها برای پراکنده شدن را به دست آوردند.

صبح روز ۱۸ فروردین صد تن از کارکنان حراست طرح های ساختمانی منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر، در محل فرمانداری این شهرستان دست به تجمع و تحصن زدند. این کارمندان با در دست داشتن

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!